



شرکت آهن و فولاد ارفع
(سهامی عام)



تنها در خانه

چالش ها و موانع موجود در حوزه تخصصی معدن و صنایع معدنی طی سال های اخیر نه تنها کاهش نیافته بلکه با مرور زمان، به تعداد کمی و میزان کیفی آنها نیز اضافه شده است. از منظر دیگر تداوم تحریم ها، وقوع جنگ ایران و اسرائیل و فعال شدن مکانیسم ماشه شرایط را دو چندان بر بخش تولید و تجارت این حوزه سخت تر کرده است، شرایطی که موجب انزوای نسبی ایران در بازارهای بین المللی شده است. همه این مصائب عواملی ست که باعث شده موقعیت معدن و صنایع معدنی کشور در مرادوات جهانی "تنها در خانه" تلقی شود.



چشم انداز و شش جهت گیری استراتژیک

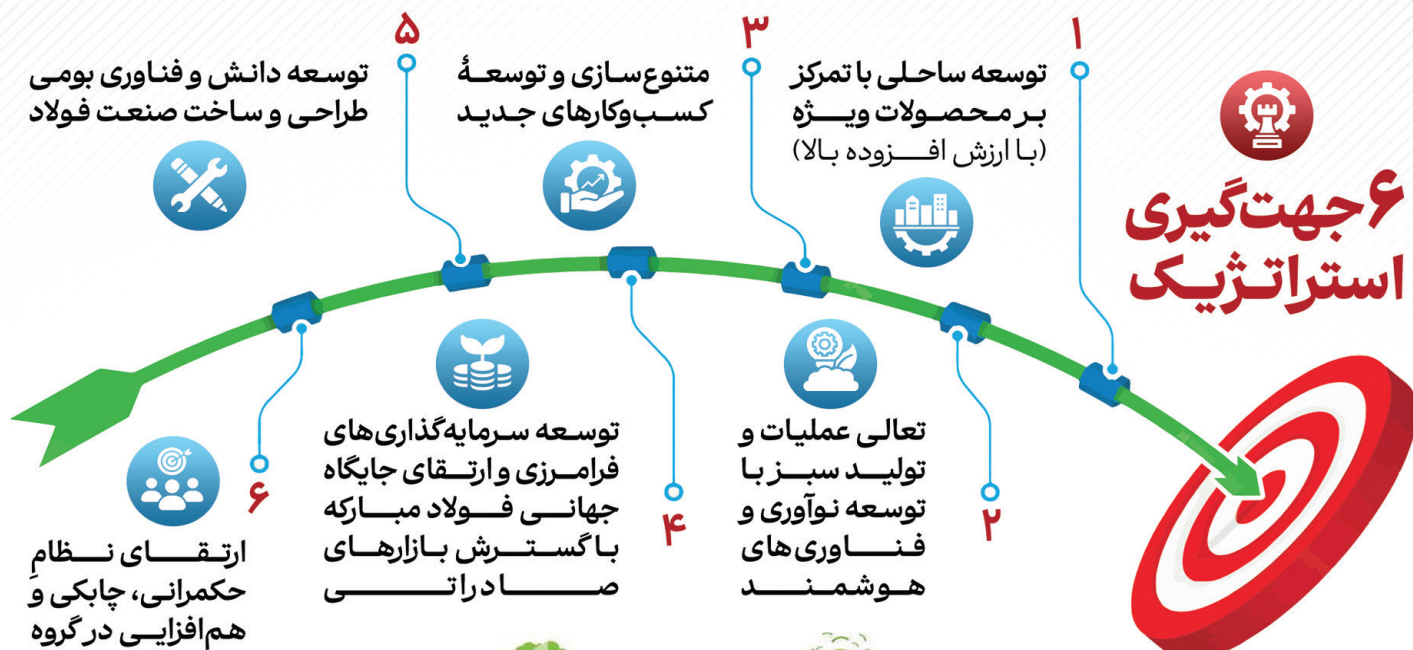
گروه فولاد مبارکه در افق ۱۴۱۴

سازمانی سبز و هوشمند، در جمع
۲۰ شرکت فولادی برتر جهان

چشم انداز



سعید زرندی
مدیرعامل گروه فولاد مبارکه:



اهداف کلان گروه فولاد مبارکه در افق ۱۴۱۴

قرار گرفتن در جمع ۲۰ شرکت فولادی برتر جهان **۴۰٪** نسبت صادرات محصولات فولادی **رتبه ۲** در IMI100

سازگاری با محیط زیست **۳۰٪** کاهش شدت انتشار گازهای گلخانه ای **۹۸٪** نسبت کارایی مواد

۱،۰۰۰،۰۰۰ تن تناژ قراضه فلزی فراوری شده **۳۰٪** سهم انرژی های تجدید پذیر در سبد انرژی مصرفی گروه

مديریت ارتباطات
وبسند سازمانی
www.msc.ir
@mobarakehsteel-co

گروه فولاد مبارکه **۹۰۴**

هوشمندی **۶۰٪** نسبت فرایندهای هوشمند



آلومینای ایران

به یکی از بازیگران راهبردی و پیشرو در
صنعت آلومینای منطقه تبدیل می شود



تلفن: ۰۲۱۸۸۹۹۴۶۸۶

آدرس سایت:

www.madanbidar.ir

آدرس کانال تلگرامی:

madan24_com@

آدرس اینستاگرام:

madan24bidar@

مدیر مسئول و صاحب امتیاز: بهنود دامغانی

سردبیر: سبوحان میرزایی

مدیر اجرایی: زهرا نوری

مسئول هماهنگی: ترانه نوری

تحریریه: شیما احمدی - علی ملکدار - دینا محمدی

امور پیگیری: زینب ولی زاده

مشاور طرح: محسن اسدی

آدرس: فاطمی- ابتدای چهلستون- پلاک ۲- طبقه اول -

واحد ۱۰۴

نیم سال طلایی فولاد هرمزگان

ثبت رکوردهای تولید

۶ ماهه

از ابتدای بهره‌برداری



۷۴۱ هزارتن

تولید تختال



۹۹۸ هزارتن

تولید آهن اسفنجی



درآمد کل

۲۲/۵ همت

۴۸ درصد رشد



سود خالص

۱/۵ همت

۴۴ درصد رشد



سود ناخالص

۳/۱ همت

۸ درصد رشد



میزان تحقق برنامه تولید

۱۰۰٪ برنامه پیش‌بینی شده



HOSCO

شرکت فولاد هرمزگان
HORMOZGAN STEEL COMPANY



رتبه رشد سود خالص

جزو سه شرکت برتر فولادی

مهمترین هدف برای حفظ بازارهای صادراتی و تامین نیاز داخلی:

تمرکز بر تولید فولادهای خاص

سبحان میرزایی سردبیر معدن ۲۴

معدن و صنایع معدنی در آستانه انزوای تجاری

ادامه این روند، صنعت معدن ایران را در چرخه‌ای از هزینه‌های بالای تولید، بهره‌وری پایین، و حاشیه سود شکننده گرفتار کرده است. شرکت‌های بزرگ معدنی و فولادی، که در دهه گذشته پیشران رشد صادرات غیرنفتی بوده‌اند، اکنون با رکود نسبی تولید، افزایش نرخ انرژی، و محدودیت دسترسی به بازارهای صادراتی مواجه‌اند.



■ "تنها در خانه؛ واقعیت تلخ مراودات جهانی"

در فضای جهانی که همکاری‌های معدنی بر پایه زنجیره‌های ارزش بین‌قاره‌ای شکل می‌گیرد، موقعیت ایران به تدریج به حالتی مشابه "تنها در خانه" رسیده است؛ کشوری با ظرفیت عظیم معدنی اما دسترسی محدود به بازار، سرمایه و دانش فنی. این وضعیت نه تنها رشد بخش معدن را کند کرده، بلکه بر اشتغال، سرمایه‌گذاری و شاخص‌های کلان تجارت خارجی کشور نیز اثرگذار بوده است. اکنون بیش از هر زمان، بازنگری در سیاست‌های کلان معدنی و صنعتی کشور ضرورت دارد. ایجاد سازوکارهای دیپلماسی اقتصادی مستقل، استفاده از ظرفیت همسایگان شرقی و آفریقایی، و توسعه فناوری‌های بومی می‌تواند بخشی از این فشارها را کاهش دهد. در غیر این صورت، ادامه مسیر فعلی، خطر تثبیت موقعیت انزوا را در یکی از مهم‌ترین مزیت‌های اقتصادی ایران - یعنی معدن و صنایع معدنی - در پی خواهد داشت.

در سال‌های اخیر، چالش‌های حوزه معدن و صنایع معدنی ایران نه تنها کاهش نیافته، بلکه در ابعاد کمی و کیفی به‌طور مشهودی افزایش یافته است. بخش تولید و تجارت این حوزه، که در ذات خود نیازمند ثبات، تعاملات جهانی و سرمایه‌گذاری بین‌المللی است، اکنون با مجموعه‌ای از فشارهای هم‌زمان دست‌وپنجه نرم می‌کند؛ فشارهایی که برخی داخلی و بخشی نیز جهانی‌اند.

تداوم تحریم‌های اقتصادی و محدودیت‌های مالی بین‌المللی، زنجیره تأمین و فروش محصولات معدنی و فلزی ایران را با اختلال‌های جدی مواجه کرده است. این وضعیت، در کنار دشواری‌های حمل‌ونقل، بیمه، و تسویه حساب ارزی، عملاً مراودات بین‌المللی شرکت‌های معدنی کشور را از حالت رقابتی به وضعیت انزوا سوق داده است.

وقوع درگیری نظامی میان ایران و اسرائیل و بعد از آن فعال شدن مکانیسم ماشه از سوی غرب، بار دیگر فضای سیاسی و تجاری پیرامون ایران را متشنج‌تر کرده است. نتیجه آن، افزایش ریسک تجارت، انصراف برخی شرکای خارجی و توقف مذاکرات سرمایه‌گذاری در پروژه‌های بزرگ صنایع معدنی بوده است. از این منظر، نه تنها امکان تعامل سازنده در بازارهای جهانی کاهش یافته، بلکه حتی دسترسی کشور به فناوری‌های نوین معدنی - در حوزه فرآوری، دیجیتال سازی و انرژی‌های کم‌کربن - تقریباً متوقف شده است.



جایگاه ششم وزارت صمت در ارزیابی اجرای برنامه هفتم پیشرفت حمایت همه جانبه از معدن و صنایع معدنی

همچنین، بسته حمایت از صادرات و ارزآوری صنعتی و معدنی با محور افزایش توان صادراتی بنگاه‌ها، تسهیل بازگشت ارز حاصل از صادرات و توسعه بازارهای هدف منطقه‌ای، در دستور کار قرار گرفته است. در حوزه زیرساخت، وزارت صمت طی سال نخست اجرای برنامه هفتم توانسته بیش از ۵۰۰ مگاوات نیروگاه تجدیدپذیر صنعتی احداث کند که سهم مؤثری در کاهش ناترازی انرژی صنایع داشته است. راه‌اندازی ستادهای تخصصی فولاد و پتروشیمی و بازنگری در مجوز منابع انرژی بر نیز در راستای انطباق تولید صنعتی با الزامات پایداری انرژی انجام شده است.

■ **پیشرفت‌های بخش معدن و فناوری‌های نوین معدنی**
در حوزه معدن، عملکرد وزارتخانه قابل توجه بوده است؛ از جمله تجمیع بیش از ۹۰ درصد گواهی‌های کشف در سامانه جامع معدن و صنایع معدنی، معرفی ۱۱۵ بسته سرمایه‌گذاری جدید توسط ایمیدرو، آزادسازی ۱۳۴ پهنه معدنی و سرمایه‌گذاری در عناصر نادر خاکی و فراآوری مواد پیشرفته معدنی. این اقدامات مسیر حرکت به سمت زنجیره ارزش افزوده و استفاده از فناوری‌های نوین را هموار کرده است.

در عرصه توسعه صنعتی منطقه‌ای نیز، تدوین برنامه ملی خوشه‌های صنعتی، تصویب آیین‌نامه خلع ید قراردادهای غیرفعال در شهرک‌های صنعتی، ایجاد ۹ شهرک ناحیه تخصصی صنفی جدید و تأسیس صندوق حمایت از صنایع کوچک از مهم‌ترین اقدامات وزارت صمت بوده است؛ اقداماتی که نقش مؤثری در تقویت شبکه تولید داخلی و پیوند بنگاه‌های کوچک و متوسط ایفا کرده‌اند.

در مجموع، بر پایه ارزیابی رسمی معاونت نظارت مجلس، عملکرد وزارت صمت، معدن و تجارت در سال نخست اجرای برنامه هفتم نشان‌دهنده‌ی تغییر جهت سیاست‌های صنعتی از رویکرد بخشی به رویکرد زنجیره‌ای و نظام‌مند است؛ تغییری که می‌تواند زمینه‌ساز رشد پایدار اقتصادی، افزایش اشتغال موقای سهم صنعت و معدن در تولید ناخالص داخلی کشور شود.

تازه‌ترین ارزیابی رسمی معاونت نظارت مجلس شورای اسلامی از عملکرد دستگاه‌های اجرایی در اجرای احکام قانون برنامه هفتم پیشرفت، حاکی از آن است که وزارت صمت، معدن و تجارت با تمرکز بر توسعه صنعتی و معدنی، رویکرد تولیدمحور و صادرات‌گرا، و هم‌راستایی سیاست‌گذاری با اجرا و نظارت، توانسته در سال نخست اجرای برنامه هفتم جایگاه ششم در احکام اجراشده و چهارم در احکام انجام‌شده در مهلت مقرر را در میان ۳۷ دستگاه اجرایی کشور کسب کند.

این وزارتخانه با برخورداری از ۱۳۴ حکم قانونی، در جمع پنج دستگاه دارای بیشترین تکلیف اجرایی کشور قرار دارد و عملکرد آن از دید نهادهای نظارتی «قابل قبول» توصیف شده است.

بر اساس این گزارش، این دستاورد در شرایطی حاصل شده که وزارت صمت، معدن و تجارت با چالش‌هایی نظیر ناترازی انرژی، محدودیت منابع مالی و ارزی، و فشارهای ناشی از تحولات اقتصاد جهانی روبه‌رو بوده است. با وجود این، وزارتخانه توانسته با برنامه‌ریزی هدفمند و اتخاذ سیاست‌های متوازن بخش قابل توجهی از احکام خود را محقق کند و جهت‌گیری توسعه صنعتی کشور را به سمت پایداری و تاب‌آوری اقتصادی سوق دهد. در حوزه سیاست‌گذاری، وزارت صمت در سال نخست اجرای برنامه هفتم با تدوین و تصویب سند راهبرد ملی پیشرفت صنعتی و آیین‌نامه تعیین اقلام راهبردی تولید، گام مهمی در بازآرایی ساختار تولید کشور برداشته است. تاکنون ۶۲ قلم کالای راهبردی شناسایی و برنامه داخلی‌سازی سالانه حداقل ۱۰ درصد از آن‌ها آغاز شده است. همچنین ۱۲ آیین‌نامه و دستورالعمل اجرایی جدید منطبق با احکام برنامه هفتم تدوین و تصویب شده تا زیرساخت مقرراتی لازم برای اجرای مؤثر طرح‌های صنعتی فراهم شود.

■ **حمایت از زنجیره معادن و صادرات صنعتی**

در بخش سیاست‌های حمایتی، بسته توسعه زنجیره معادن و فلزات اساسی با هدف تکمیل زنجیره ارزش، جلوگیری از خام‌فروشی و توسعه صنایع پایین‌دستی تدوین شده است.



تورج زارع مدیرعامل شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران شاخص‌های کلیدی عملکرد در ایران: از «عددسازی» تا «بهبود واقعی»

کلیدی و قابل اتکا را برای تصمیم‌گیران فراهم کند، خود گرفتار خطاهای سیستماتیک و تصادفی است. در نتیجه، شاخص‌هایی عملکردی که قرار بود «آینه وضعیت» باشند، به دلیل ضعف در تعریف و بی‌اعتباری داده‌ها، واقعیت را کج و معوج نشان می‌دهند و به جای ابزار یادگیری و پیشگیری، به وسیله‌ای برای نمایش و توجیه تبدیل شده‌اند. این وضعیت توان پیش‌بینی مدیران را به شدت کاهش داده، چرخه تصمیم‌گیری را کند کرده و تصمیم‌ها را دیر یا نا بهنگام ساخته است؛ تا آنجا که برخی سازمانها عملاً به فلج تصمیم‌گیری دچار شده‌اند.

(عدم انطباق شاخص‌ها با استراتژی: در بسیاری از سازمان‌ها، شاخص‌هایی که پیش می‌شوند با راهبرد واقعی همخوانی ندارند؛ بنابراین تصمیم‌ها بر پایه داده‌های نامرتب گرفته می‌شود. این وضعیت شبیه بیماری قلبی است که به جای سنجش فشار خون و ضربان قلب، فقط قند خون او اندازه‌گیری شود و در گزارش بنویسند «همه چیز عالی است»). برای نمونه، اگر راهبرد یک شرکت معدنی «توسعه پایدار» باشد اما تنها شاخص مورد توجه «تناژ تولید» قرار گیرد، نتیجه گمراه‌کننده خواهد بود. افزایش تناژ شاید رکوردی کوتاه مدت بسازد، اما همزمان می‌تواند به افت بازیابی، رشد مصرف انرژی و آب، افزایش شکایات‌های اجتماعی و محیط زیستی و فرسودگی تجهیزات منجر شود؛ وضعیتی که درست در خلاف جهت توسعه پایدار قرار دارد. از همین رو، وقتی راهبرد «پایداری» است، شاخص‌های هم‌راستا با آن—مانند بازیابی، شدت مصرف انرژی و آب، نرخ حوادث و شاخص‌های اجتماعی—باید مبنای تصمیم‌گیری باشند. در غیر این صورت، عدد تناژ فقط توهم بهبود ایجاد می‌کند و بحران را پنهان اما عمیق‌تر می‌سازد. (۲) شتابزدگی بی‌داده: این مشکل زمانی رخ می‌دهد که تصمیم‌ها پیش از آماده شدن شاخص‌های معتبر گرفته می‌شوند و جای داده‌های دقیق را روایت‌های شفاهی و ثبت‌های دستی می‌گیرند. در چنین شرایطی، عددها ناسازگار و مقایسه‌ها بی‌اعتبار می‌شوند؛ تصویری از عملکرد ساخته می‌شود که پیوسته تغییر می‌کند، نه به دلیل تحول واقعی عملیات، بلکه به خاطر ناهماهنگی روایت‌ها. ماجرا شبیه همان است که مولانا می‌گوید: «هر کسی از ظن خود شد یار من / وز درون من نجست اسرار من»

پیامد چنین وضعی، اختلال در ساختار تصمیم‌گیری است: در سطح عملیاتی، مدیریت واکنشی جای مدیریت پیشگیرانه را می‌گیرد؛ در سطح میانی، انرژی صرف جدل بر سر تعریف شاخص‌ها و مقصریابی می‌شود نه یافتن علت‌ها؛ و در سطح عالی، افق دید کوتاه می‌شود و تنها گزارش‌های ظاهراً مثبت برجسته می‌شوند، در حالی که نشانه‌های هشداردهنده پنهان می‌مانند و مشکل تازه زمانی آشکار می‌شود که نتیجه نهایی از کنترل خارج شده است.

(۳) خروجی‌زدگی: در بسیاری از سازمان‌های ایرانی، به ویژه در بخش معدن و تولید، ترکیب شاخص‌ها نامتوازن و عمدتاً پسرانگ است؛ یعنی به جای پایش علائم هشداردهنده پیشرو، بیشتر نتایج گذشته گزارش می‌شوند. تمرکز صرف بر «تناژ تولید» یا «فروش ماهانه» شاید در کوتاه مدت رکوردی بسازد، اما در عمل به فرسایش دارایی‌ها، افزایش هزینه‌ها و افت کیفیت منجر



نگاهی به گزارش‌های رسمی و غیررسمی یک واقعیت دردناک را آشکار می‌کند: عملکرد بسیاری از صنایع، و به تبع آن مدیران آنها، همچنان بر اساس شاخصی تک بُعدی—مانند تناژ تولید یا سود عملیاتی—سنجیده می‌شود. این رویکرد تقلیل‌گرایانه، موفقیت را صرفاً به اعداد کمی فرو می‌کاهد و موجب می‌گردد بخش عمده‌ای از وقت و انرژی مدیران صرف دستیابی به اهداف کوتاه مدت شود، در حالی که ابعاد حیاتی همچون بهره‌وری پایدار، کیفیت، نوآوری و توسعه سرمایه انسانی نادیده گرفته می‌شوند. تداوم این غفلت، در نهایت به شکل‌گیری سندرم‌های خطرناک سازمانی می‌انجامد؛ از جمله «تله درآمد متوسط» که می‌تواند مسیر رشد و بقای بلندمدت صنایع را به شدت تهدید کند. سازمان را می‌توان همچون موجودی زنده دید؛ موجودی که تولد، رشد، بلوغ و دگرگونی‌های دوره‌ای را پشت سر می‌گذارد. همانطور که سلامت یک موجود زنده نیازمند پایش مداوم مجموعه‌ای از شاخص‌های حیاتی است، در سازمان نیز چنین ضرورتی وجود دارد. از این رو، مدیر آگاه باید همچون پزشک حاذق توانایی تشخیص زودهنگام داشته باشد و سیستمی طراحی کند که علائم هشدار را پیش از بحران آشکار سازد.

صنعت جهان سالهاست دریافته که سنجش واقعی سلامت نظام‌های تولیدی و عملیاتی بدون شاخص‌های کلیدی عملکرد (KPI) ممکن نیست؛ سنجه‌هایی که در مدیریت همان نقشی را دارند که فشار خون و ضربان قلب در پزشکی. KPIها پیش‌نیاز هر تصمیم‌گیری‌اند: همانگونه که جراح بدون تصویر دقیق از محل تومور دست به تیغ نمی‌زند، مدیر نیز پیش از هر تصمیم بزرگ باید شاخص‌های عملکردی سازمان را در اختیار داشته باشد و بر اساس آن نسخه‌ای متناسب با «مزاج» سازمان تجویز کند. در این چارچوب، شاخص‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند: پیشرو و پسرو. شاخص‌های پیشرو همان علامت‌هایی‌اند که پیش از وقوع نتیجه تغییر می‌کنند و نقش «هشدار زودهنگام» دارند؛ مثل وقتی چراغ بنزین روشن می‌شود: هنوز ماشین خاموش نشده، اما خبر می‌دهد اگر سوخت‌گیری نکنید، به زودی می‌ایستید. در مدیریت و صنعت هم همین است؛ این شاخص‌ها فرصت می‌دهند پیش از خسارت یا افت عملکرد مداخله کنیم و معمولاً در کوتاه مدت نیز تحت کنترل مدیران‌اند.

بهره‌وری کلی تجهیزات (OEE)، نمونه شناخته شده این نوع شاخص‌ها است. در مقابل، شاخص‌های پسرو مانند «میزان تولید ماه گذشته»، «حاشیه سود» یا «تعداد حوادث ثبت شده» فقط نتیجه بعد از وقوع را گزارش می‌کنند. این شاخص‌ها برای ارزیابی و حسابرسی ضروری‌اند، اما به تنهایی کافی نیستند؛ چون زنگ خطر زودهنگام ندارند. مدیریت هوشمند به ترکیبی از هر دو دسته نیاز دارد: پیشرو برای پیش‌بینی و پیشگیری، پسرو برای جمع‌بندی و قضاوت نهایی—تا هم مسیر به موقع اصلاح شود و هم در انتها از درستی اقدام مطمئن شویم.

■ وضعیت شاخص‌ها در ایران: از واقعیت تا ویتترین

در بسیاری از سازمان‌های کشور، نظام سنجش عملکرد که باید شاخص‌های

می‌گردد (بیشترین خطر کجاست) مانند خرابی تجهیز یا افت بهره‌وری نیروی انسانی (و بیشترین فرصت در کجا نهفته است) مثل افزایش بازیابی یا کاهش هزینه انرژی. سپس برای هر ریسک، ترکیبی از شاخص‌های پیشرو و پسرو باید طراحی شود. شاخص‌های پیشرو (مانند OEE یا شدت مصرف انرژی لحظه‌ای) هشدار زودهنگام می‌دهند و امکان پیشگیری را فراهم می‌کنند؛ در حالیکه شاخص‌های پسرو (مثل سود ماهانه یا تناژ تولید) صرفاً نتیجه نهایی را بازتاب می‌دهند. این ترکیب کمک می‌کند هم پیش از بحران علائم دیده شوند و هم پس از آن، عملکرد به درستی ارزیابی گردد.

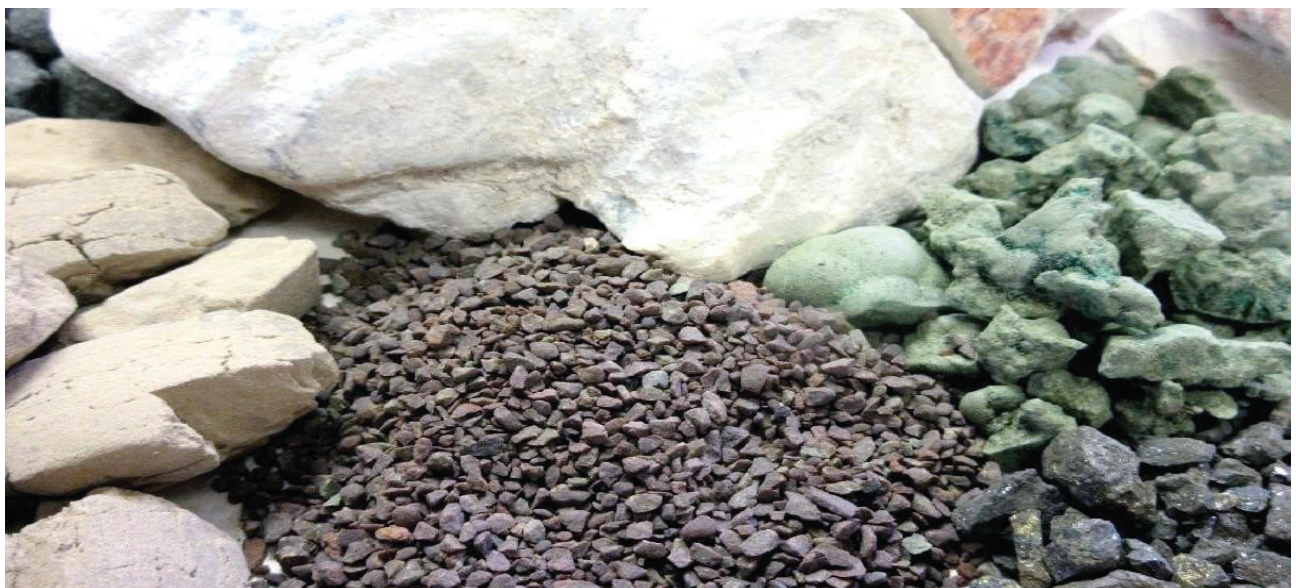
حرف آخر: در شرایطی که صنعت ایران با چالش‌های گوناگون دست به گریبان است و شاخص‌های نمایشی فضای کل صنعت را آلوده کرده‌اند، تعریف و تعیین شاخص‌های واقعی یک ضرورت حیاتی است. ارزش در روایت علی و قابل اعتماد بین شاخص و عملکرد واقعی است؛ روایتی که از استراتژی در لایه مدیریت ارشد تا کف کارخانه امتداد دارد و میان ایمنی، کیفیت، انرژی، هزینه و سودآوری تعادل ایجاد می‌کند. وقتی شاخص‌ها از مسئله آغاز شوند، با «مزاج» و مرحله زندگی سازمان تناسب داشته باشند و در همه لایه‌ها پیوستگی پیدا کنند، سازمان همچون بدنی هوشیار عمل می‌کند: درد را زود حس می‌کند، از نشانه به تشخیص می‌رسد و درمان را به موقع آغاز می‌کند. در این صورت KPI از ویتترین عددسازی فاصله می‌گیرد و به ابزار بهبود مستمر بدل می‌شود؛ ابزاری برای ساختن توان رقابت، افزایش بهره‌وری و تضمین پایداری در زیست بوم ایرانی معدن و صنعت فهرست‌های بلندبالای شاخص‌ها، تمرکز را می‌ریاید و انرژی را بخش می‌کند؛ مجموعه‌ای کوچک از سنجه‌های واقعاً تعیین‌کننده بهتر کار می‌کند، به شرط آنکه هر شاخص مالک داشته باشد و تغییرش واقعاً تصمیم را عوض کند. کیفیت KPI ها باید به منزله دارایی استراتژیک مدیریت شود؛ یکپارچگی سیستم‌های سنجش، همسان‌سازی تعریف‌ها و تفکیک نقش اندازه‌گیر از ذینفع هدف، اعتمادپذیری را تضمین می‌کند. توازن میان سنجه‌های فرآیندی و نتیجه‌ای به فهم چرایی نتایج باری می‌رساند و شفافیت—ولو در مقیاس داخلی—میل به عددسازی را پایین می‌آورد. اجرای برنامه‌های مرحله‌ای نیز کلید موفقیت است: از تشخیص و تدوین لغتنامه و نقشه داده شروع می‌شود، به آبخار شاخص‌ها و طراحی داشبوردهای قابل نقب زدن می‌رسد و با ممیزی داده و پیوند KPI به اقدام اصلاحی تکمیل می‌شود. مهمتر از همه، باید پذیرفت که KPI مقدس نیست؛ اگر رفتاری نامطلوب ساخت، باید اصلاح شود.

می‌شود. این وضعیت مانند فردی است که با یک رژیم غذایی نامناسب از کاهش وزنش—که شاخصی پسرونگر است—خوشحال است، بی‌آنکه بداند فشار خون و قند خونس، یعنی شاخص‌های پیشرو سلامت، از کنترل خارج شده‌اند. غفلت از شاخص‌های پیشگیرانه‌ای مانند OEE، بازیابی، کیفیت محصول و مصرف انرژی باعث می‌شود به جای اصلاح ریشه‌ای، صرفاً سیستم را «هل بدهیم» نتیجه، هدر رفت منابع و تضعیف سودآوری پدیدار است؛ در حالیکه اگر شاخص‌های پیشرو در کنار تناژ پایش می‌شدند، مدار بهینه می‌گردید و اتلاف‌ها کاهش می‌یافت.

(۴) سیاسی و نمایشی کردن شاخص‌ها: در بعضی از سازمان‌ها، شاخص‌ها نه برای حل مسئله، بلکه برای راضی نگه داشتن مدیران یا نهادهای بالادستی تعریف می‌شوند. در چنین شرایطی، KPI از «ابزار فهم و اصلاح» به «ویتترین تزیینی» بدل می‌شود: توقف‌های بی‌برنامه «برنامه‌ریزی شده» گزارش می‌شوند، تنها جنبه‌های مثبت برجسته می‌گردند و تصویر واقعی عملیات عملاً پنهان می‌ماند. آینه شاخص‌ها در این فضا مانند آینه محدب عمل می‌کند: بخشی از عملکرد، آنطور که مدیران می‌خواهند، بزرگتر از واقع نشان داده می‌شود و بخش‌های دیگر کوچکتر جلوه می‌کنند. مدیران در ظاهر رکورد سود می‌سازند و تبلیغ می‌شوند، اما واقعیت‌های پنهان—مانند فرسودگی تجهیزات یا تأثیر افزایش نرخ ارز بر سودآوری—یا گزارش نمی‌شوند یا به عمد کم‌اهمیت نشان داده می‌شوند. در این شرکت‌ها، بخش قابل توجهی از منابع صرف «زیبا کردن اعداد» می‌شود؛ هزینه‌های هنگفتی برای بزرگ KPI ها خرج می‌شود، در حالیکه انرژی سازمان باید صرف بهبود ریشه‌ای سیستم گردد. پیامد این وضعیت روشن است: سازمان به جای یادگیری و پیشگیری، در چرخه توجیه و تکرار خطا گرفتار می‌شود.

■ راه درست طراحی و استقرار KPI: از مسئله تا اقدام

بنای هر نظام سنجش عملکرد کارآمد، با تعریف درست مسئله آغاز می‌شود؛ نه با کپی کردن فهرستی از شاخص‌های یک سازمان موفق و بعد ادای هم‌شکلی درآوردن. مثلاً اگر مسئله اصلی کاهش سودآوری است، باید پرسید چرا؟ آیا کیفیت محصول افت کرده؟ مصرف انرژی بالا رفته؟ تجهیزات دچار خرابی‌های مکرر شده‌اند؟ یا بهره‌وری نیروی انسانی کاهش یافته است؟ در همین فرآیند است که نقشه ریسک و ارزش سازمان ترسیم می‌شود: مشخص



گہرزمین؛ ستون استوار توسعه ایران زمین

The Powerhouse of Iran's Industrial and Mining Sector



عملکرد درخشان جهان فولاد سیرجان در ۷ ماهه نخست ۱۴۰۴

است. حجم کل فروش شرکت در هفت ماهه نخست سال جاری با رسیدن به ۱ میلیون و ۱۴۴ هزار و ۲۲۳ تن، رشد ۴۶ درصدی را نسبت به دوره مشابه سال قبل رقم زده است. بررسی ترکیب فروش نشان می‌دهد که بازار داخلی همچنان بالاترین سهم را به خود اختصاص داده و ۹۸۹ هزار و ۶۲۵ تن از محصولات شرکت در داخل کشور عرضه شده است. رشد ۳۳ درصدی فروش داخلی نشان‌دهنده اعتماد صنایع پایین‌دستی به کیفیت محصولات و رویکرد مشتری‌مدارانه شرکت است. در مقابل، صادرات شرکت نیز با ثبت ۱۵۴ هزار و ۵۹۸ تن به یکی از بی‌سابقه‌ترین جهش‌های خود دست یافته و رشد ۲۶۸ درصدی را تجربه کرده است. این رشد قابل توجه، بیانگر افزایش رقابت‌پذیری محصولات جهان فولاد سیرجان در بازارهای جهانی و حضور فعال‌تر در مقاصد صادراتی است؛ دستاوردی ارزشمند که می‌تواند جایگاه شرکت را در عرصه بین‌المللی تقویت کند.

در بخش درآمد نیز جهان فولاد سیرجان عملکردی ممتاز از خود نشان داده است. درآمد فروش شرکت در هفت ماهه نخست سال ۱۴۰۴ به ۲۶ هزار و ۲۶۷ میلیارد تومان رسیده که حاکی از رشد ۶۹ درصدی نسبت به سال گذشته است. در مجموع، عملکرد هفت‌ماهه جهان فولاد سیرجان در سال ۱۴۰۴ مؤید پیوند موفق سه محور اصلی افزایش تولید، توسعه فروش و جهش درآمدی است؛ مسیری که این شرکت را به یکی از بازیگران تأثیرگذار و راهبردی صنعت فولاد ایران تبدیل کرده است.

شرکت جهان فولاد سیرجان در هفت ماهه نخست سال ۱۴۰۴ دوره‌ای موفق و کم‌نظیر را پشت سر گذاشته و نسبت به مدت مشابه سال گذشته، رشد ۵۰ درصدی در حجم کل تولید، ۴۶ درصدی در حجم فروش و ۶۹ درصدی در درآمد فروش ثبت کرده است. این جهش در سه شاخص کلیدی، آن هم در شرایط محدودیت‌های انرژی، نشان‌دهنده حرکت هماهنگ شرکت در مسیر افزایش تولید، توسعه بازار و تقویت جایگاه رقابتی است.

در بخش تولید، آمارها نشان می‌دهد که جهان فولاد سیرجان با تکیه بر بهره‌برداری بهینه از ظرفیت‌ها، مدیریت علمی و جهادی، تکمیل طرح‌های توسعه و پایداری زنجیره تأمین، مجموع تولیدات خود را به ۲ میلیون و ۵۲۷ هزار و ۳۵۵ تن رسانده است. این عملکرد، رکورد بالاترین میزان تولید در دوره‌های ۷ ماهه نخست سال از زمان تأسیس شرکت را رقم زده و رشد ۵۰ درصدی را به همراه داشته است. در واحدهای احیای مستقیم، مجموع تولید ۱ میلیون و ۷۰۷ هزار و ۲۰۴ تن آهن اسفنجی به ثبت رسیده که نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۹۷ درصد رشد نشان می‌دهد.

تولید شمش فولادی نیز با ثبت ۵۷۱ هزار و ۴۶۲ تن، رشد ۱۱ درصدی داشته است. این افزایش تولید در حالی حاصل شده که واحد فولادسازی شرکت با محدودیت‌های شدید برق مواجه بوده است؛ موضوعی که اهمیت این دستاورد را دوچندان می‌کند. عملکرد جهان فولاد سیرجان در بخش فروش نیز چشمگیر



رضارحمانی استاندار آذربایجان غربی

آذربایجان غربی؛ طلای توسعه در دل معادن و مرزها

معدن‌کاری، مدیریت بهینه پسماندها و آب، شرط لازم برای کسب مشروعیت اجتماعی و پایداری بلندمدت این صنعت است.

• جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و داخلی: پیچیدگی‌های فنی و نیاز به سرمایه کلان در صنایع معدنی، جذب سرمایه‌گذاران معتبر داخلی و بین‌المللی را ضروری می‌سازد. ایجاد یک محیط کسب‌وکار باثبات، ارائه مشوق‌های مالیاتی و تضمین امنیت سرمایه‌گذاری، از پیش‌نیازهای اساسی در این زمینه است.

۳. تجارت فرامرزی: گذار از «گذرگاه» به «هاب لجستیک»

وجود ۹ گمرک رسمی و ثبت آمار سالانه ۴/۹ میلیارد دلار صادرات (جایگاه چهارم کشوری)، گواهی بر ظرفیت لجستیکی بالای استان است. با این حال، تحلیل دقیق‌تر نشان می‌دهد که نقش استان عمدتاً به یک «کریدور عبوری» محدود شده است. برای جهش اقتصادی، لازم است این رویکرد به استراتژی تبدیل استان به یک «هاب لجستیک و تجاری یکپارچه» تغییر یابد. این تحول نیازمند اقدامات زیر است:

• توسعه زیرساخت‌های سخت‌افزاری: مدرن‌سازی پایانه‌های مرزی، توسعه شبکه حمل‌ونقل ترکیبی (جاده‌ای-ریلی)، ایجاد انبارهای مدرن و

استان آذربایجان غربی به واسطه موقعیت منحصر به فرد ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک خود در شمال غرب ایران و برخورداری از منابع غنی معدنی، ظرفیت‌های لجستیکی و پتانسیل‌های صنعتی، به عنوان یکی از کانون‌های بالقوه توسعه منطقه‌ای در کشور مطرح است. این یادداشت، به معرفی و ارزیابی مزیت‌های نسبی و رقابتی استان در سه حوزه کلیدی می‌پردازد:

(۱) بهره‌برداری از ذخایر استراتژیک معدنی طلا و مس در راستای ایجاد زنجیره ارزش افزوده؛ (۲) تبدیل کریدورهای ترانزیتی و مرزهای بین‌المللی به هاب‌های لجستیک یکپارچه؛ و (۳) فعال‌سازی ظرفیت‌های مغفول صنعتی و عمرانی از طریق مشارکت بخش خصوصی.

۱. موقعیت استراتژیک آذربایجان غربی در هندسه اقتصاد ملی

استان آذربایجان غربی به لحاظ جغرافیایی در نقطه‌ای راهبردی واقع شده است که آن را به چهارراه اتصال ایران به کریدورهای اقتصادی اوراسیا، قفقاز و حوزه مدیترانه شرقی مبدل می‌سازد. هم‌مرزی با سه کشور ترکیه، عراق و جمهوری آذربایجان (نخجوان)، این استان را از یک منطقه صرفاً مرزی به یک «دروازه اقتصادی» با قابلیت ایفای نقش محوری در دیپلماسی اقتصادی کشور بدل کرده است. این موقعیت، یک مزیت نسبی بنیادین است که در صورت تدوین راهبردهای صحیح، می‌تواند به یک مزیت رقابتی پایدار تبدیل شود. با این حال، تحقق این پتانسیل ژئواکونومیک در گرو توسعه هم‌زمان و هم‌افزایی سایر ظرفیت‌های داخلی استان، به‌ویژه در بخش‌های معدن، صنعت و کشاورزی است. در شرایط کنونی که اقتصاد ملی به دنبال تنوع‌بخشی به منابع درآمدی و کاهش وابستگی به نفت است، مناطق مستعدی چون آذربایجان غربی می‌توانند به عنوان موتورهای جدید رشد اقتصادی عمل کنند.

۲. منابع معدنی: از اقتصاد منبع‌محور به اقتصاد دانش‌بنیان

کشف و شناسایی معادن طلا و مس در استان، فصلی نوین در اقتصاد منطقه گشوده است. طلا به عنوان یک دارایی راهبردی و پناهگاه امن در برابر نوسانات اقتصادی جهانی، و مس به عنوان فلزی کلیدی در صنایع پیشرفته نظیر الکترونیک، انرژی‌های تجدیدپذیر و وسایل نقلیه الکتریکی، دو ستون اصلی برای شکل‌دهی به یک اقتصاد صنعتی مدرن در استان و کشور هستند. با این حال، چالش اصلی، فراتر رفتن از مدل اقتصاد مبتنی بر منابع و حرکت به سوی ایجاد «زنجیره‌های ارزش افزوده» است. این موضوع مستلزم سه اقدام راهبردی است:

• توسعه صنایع پایین‌دستی: به جای صادرات مواد خام معدنی (کنسانتره)، سرمایه‌گذاری باید بر ایجاد واحدهای فرآوری، ذوب، پالایش و تولید محصولات نهایی (مانند کابل، قطعات الکترونیکی و مصنوعات طلا) متمرکز شود. این امر نه تنها ارزش افزوده اقتصادی را به صورت تصاعدی افزایش می‌دهد، بلکه به اشتغال‌زایی پایدار برای نیروی کار متخصص و ماهر منجر می‌شود.

• رعایت استانداردهای زیست‌محیطی: استخراج معادن به طور ذاتی با پیامدهای زیست‌محیطی همراه است. اتخاذ فناوری‌های نوین



می‌تواند با ارائه تضامین، واگذاری امتیاز بهره‌برداری بلندمدت و ایجاد یک چارچوب حقوقی شفاف، زمینه را برای ورود سرمایه‌گذاران خصوصی فراهم کند.

• احیای واحدهای صنعتی: بازآفرینی واحدهای راکد باید براساس یک رویکرد عارضه‌یابی دقیق صورت گیرد. ارائه تسهیلات مالی هدفمند، کمک به نوسازی ماشین‌آلات، اتصال به زنجیره‌های تأمین و بازارهای صادراتی، و ارائه مشاوره‌های مدیریتی و فنی می‌تواند این واحدها را به چرخه تولید بازگرداند و به موتور محرک اشتغال در مقیاس خرد و متوسط تبدیل کند.

■ نتیجه‌گیری

استان آذربایجان غربی در یک نقطه عطف تاریخی قرار دارد. هم‌افزایی میان منابع غنی معدنی، موقعیت ژئواکونومیک ممتاز، و نیروی انسانی جوان، این پتانسیل را ایجاد کرده است که استان به یکی از قطب‌های توسعه ملی تبدیل شود. با این حال، تبدیل این پتانسیل‌ها به واقعیت، امری خودبه‌خودی نیست و نیازمند یک نقشه راه دقیق، مدیریت هوشمند و عزم یکپارچه میان تمامی ذی‌نفعان است. این نقشه راه باید مبتنی بر گذار از صادرات مواد خام به ایجاد زنجیره ارزش، تبدیل مرزها از تهدید به فرصت‌های لجستیکی، فعال‌سازی ظرفیت‌های داخلی با محوریت بخش خصوصی، و پیوند ناگسستنی میان رشد اقتصادی و عدالت توزیعی باشد. تحقق این چشم‌انداز، نه تنها به شکوفایی اقتصادی آذربایجان غربی، بلکه به تقویت تاب‌آوری و توسعه متوازن اقتصاد ملی نیز کمک شایانی خواهد کرد.

سردخانه‌ها، و تأسیس مناطق ویژه اقتصادی با هدف پردازش، بسته‌بندی و صادرات مجدد کالا، از جمله این اقدامات است.

• توسعه زیرساخت‌های نرم‌افزاری: هوشمندسازی فرآیندهای گمرکی، تسهیل رویه‌های اداری، ایجاد پنجره واحد تجاری و توسعه دیپلماسی فعال مرزی با کشورهای همسایه به منظور هماهنگی استانداردها و رفع موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای، می‌تواند سرعت و حجم تجارت را به شکل چشمگیری افزایش دهد.

• پیوند تجارت با تولید داخلی: استراتژی توسعه صادرات باید بر کالاهای تولیدی استان (محصولات کشاورزی، صنایع غذایی، مصالح ساختمانی و محصولات معدنی فرآوری‌شده) متمرکز شود تا منافع حاصل از تجارت خارجی به درون اقتصاد استان تزریق گردد.

۴. فعال‌سازی پتانسیل‌های راکد: نقش بخش خصوصی و مشارکت

عمومی-خصوصی

وجود ۲۱۸ پروژه عمرانی نیمه‌تمام و ۵۰ واحد صنعتی راکد، دو روی یک سکه را نشان می‌دهد: از یک سو، بیانگر اتلاف منابع و فرصت‌های از دست رفته در گذشته است و از سوی دیگر، یک ظرفیت عظیم و در دسترس برای تحریک رشد اقتصادی در کوتاه‌مدت و میان‌مدت محسوب می‌شود. فعال‌سازی این پتانسیل‌ها نیازمند یک تغییر پارادایم از اقتصاد دولتی به یک مدل مبتنی بر توانمندی بخش خصوصی است.

• مشارکت عمومی-خصوصی (PPP): برای تکمیل پروژه‌های زیرساختی، مدل‌های مشارکت عمومی-خصوصی می‌توانند راه‌حلی کارآمد برای تأمین مالی، انتقال فناوری و ارتقای بهره‌وری مدیریتی باشند. دولت





مقام معظم رهبری:
معدن یکی از بزرگ‌ترین ذخایر الهی برای پیشرفت کشور است؛
باید آن را درست استخراج و مدیریت کرد.



رکوردهای پی‌درپی ماحصل تلاش سربازان خط مقدم تولید در شرکت معادن سنگ آهن سپاهان

رکورد تولید کنسانتره: ۲۳۱,۵۰۹ تن در شهریور ماه

با تکیه بر سیاست‌های شرکت در تولید پایدار و صیانت از منابع، با وجود کاهش عیار خوراک ورودی در شهریورماه سال جاری، موفق شدیم رکورد تولید تیرماه را بیش از ۱۵ درصد و از حدود ۲۰۰ هزار تن به ۲۳۲ هزار تن ارتقا دهیم.

خوراک:
322,061 تن
محصول:
231,509 تن

خوراک:
270,248 تن
محصول:
200,252 تن

خوراک:
270,830 تن
محصول:
195,217 تن

خوراک:
259,269 تن
محصول:
192,418 تن

خوراک:
260,465 تن
محصول:
191,967 تن

خوراک:
281,311 تن
محصول:
190,675 تن

فروردین

اردیبهشت

خرداد

تیر

مرداد

شهریور

به پشتوانه تلاش بی‌وقفه تلاشگران عرصه تولید، کارکنان و پیمانکاران
و با اتکا به ظرفیت‌های معدنی و ارتقای تجهیزات و فرآیندها، گامی
مؤثر در جهت افزایش بهره‌وری و تحقق اهداف تولید برداشتیم.

پهنه‌های اکتشافی، سرمایه‌گذاری کم‌خطر

مدل جدید توسعه معدنی سازمان زمین شناسی و اکتشافات معدنی کشور

با همکاری نهادهای ذی‌ربط در جهت دسترسی آزاد به اطلاعات، شناسایی معادن فراسرزمینی و دریایی و برنامه‌ریزی جهت بهره‌مندی از این معادن، سیاست‌گذاری جهت افزایش عمق اکتشاف معدنی با استفاده از عملیات ژئوفیزیک هوایی، بر عهده این سازمان است.

ایران با ۲۷.۵ تریلیون دلار منابع طبیعی، رتبه پنجم جهان را در این حوزه دارد. بیش از ۱۴۰۰ میلیارد دلار از این منابع به بخش معدن اختصاص دارد که با فرآوری، ارزش آن تا ۱۰ هزار میلیارد تومان افزایش می‌یابد. با این حال، تاکنون تنها ۲ درصد این ظرفیت بالفعل شده است که عمدتاً مربوط به لایه‌های سطحی بوده؛ فناوری‌های جدید می‌توانند این فاصله را پر کنند.

سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور با ترکیب داده‌های جامع، فناوری نوین ژئوفیزیک هوایی و تعامل گسترده با بخش خصوصی، در حال بازتعریف مسیر اکتشاف و سرمایه‌گذاری معدنی ایران است. اگر این مسیر با حمایت نهادی و استمرار شفافیت اطلاعات ادامه یابد، می‌توان انتظار داشت که معادن کشور نه تنها سهم بیشتری در اقتصاد ملی ایفا کنند، بلکه به محور نوآوری و توسعه پایدار بدل شوند.

در فضای جدید توسعه معدنی کشور، سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی ایران با رویکردی داده‌محور و مشارکت‌جویانه، برنامه‌ای گسترده برای افزایش ظرفیت اکتشاف، کاهش ریسک سرمایه‌گذاری و اتصال دانشگاه‌ها و بخش خصوصی به پروژه‌های ملی تعریف کرده است.

بر اساس طرح جدید میان سازمان زمین‌شناسی، ۲۹ پهنه معدنی از وسعت ۳۰۰ تا ۳۰ هزار کیلومتر مربع در سراسر کشور جهت سرمایه‌گذاری می‌تواند به بخش خصوصی واگذار می‌شود. حجم سرمایه‌گذاری پیش‌بینی شده در این طرح‌ها به ۳۰ هزار میلیارد تومان می‌رسد، با بسته‌های سرمایه‌گذاری کم‌خطر که، ضمانت اجرایی و واگذاری مزایده‌ای را تضمین می‌کنند.

با حضور بخش خصوصی و دانشگاه‌ها در سال گذشته، مسیر رو به جلویی را برای این بخش می‌توان متصور شد. که باید دید بخش خصوصی و دانشگاه‌ها تا چه حد می‌توانند از این فرصت‌ها استفاده کنند.

ایران پس از استرالیا و کانادا، سومین کشوری خواهد بود که فناوری ژئوفیزیک هوایی MTA را در سطح ملی به کار می‌گیرد. براساس برنامه هفتم پیشرفت، سه وظیفه اصلی جمع‌آوری و انتشار داده‌های علوم زمین





The

12th

SteelPrice
International
Conference

باموضوع:
فولادهای پیشرفته با ارزش افزوده
بالا و نوآوری در مهندسی ساخت

The 12th Steel Price International
Conference on High Value-Added
Advanced Steels and Innovation
in Steel Plant Engineering

همراه با نمایشگاه جانبی

تاریخ جدید ۱۶ آذر ۱۴۰۴ : 07 Dec 2025

محل برگزاری: هتل پارسیان استقلال تهران

دوازدهمین
کنفرانس
بین المللی
فولاد
استیل پرایس



شماره های تماس جهت هماهنگی: ۰۲۱۸۸۹۹۴۶۸۵-۶ | ۰۹۳۶۱۵۸۴۷۸۸

کیوان جعفری طهرانی تحلیلگر ارشد بازار صنایع معدنی رکود نسبی در بازارهای صنعتی ایران

معاملات اعتباری قربانی نوسانات داخلی و خارجی

در پی جنگ دوازده روزه، افزایش نرخ بهره، و رکود فصلی در اقتصاد چین، بازارهای صنعتی ایران از جمله معدن، فولاد و خودرو با کاهش شدید در معاملات اعتباری مواجه شده‌اند. کاهش نقدینگی و نوسانات قیمتی، فضای تجارت داخلی و خارجی را به رکود نسبی کشانده است.

کیوان جعفری طهرانی تحلیلگر ارشد بازار صنایع معدنی در پاسخ به سوال اینکه، وضعیت حوزه معدن و صنایع معدنی ایران از ابتدای سال ۱۴۰۴ تاکنون، با توجه به تأثیرات تحریم‌ها، جنگ‌های منطقه‌ای، بازگشت اسنپ‌ک، و محدودیت‌های انرژی چگونه ارزیابی می‌شود، در گفتگو با معدن ۲۴، گفت: در ماه‌های گذشته، مجموعه‌ای از تحولات داخلی و خارجی از جمله انفجار اسکله شهید رجایی در اوایل اردیبهشت، جنگ دوازده روزه در اواخر خرداد، و بازگشت تحریم‌های اسنپ‌ک در نیمه اول مهر، تأثیرات عمیقی بر تجارت داخلی و خارجی ایران گذاشته‌اند. فعالان حوزه معدن و صنایع معدنی از تغییر رفتار بازار و کاهش اعتماد در معاملات بلندمدت خبر می‌دهند.

وی در ادامه بیان کرد: هرچند خطر جنگ فعلاً رفع شده، اما فضای بی‌اعتمادی همچنان بر بازار حاکم است و بسیاری از شرکت‌ها از ارائه اعتبار در معاملات خودداری می‌کنند. این موضوع به‌ویژه در حوزه صادرات مواد معدنی و تأمین تجهیزات مورد نیاز، چالش‌های جدی ایجاد کرده است.

با گذشت چند ماه از جنگ دوازده روزه و بازگشت تحریم‌های اسنپ‌ک، بازارهای صنعتی ایران هنوز نتوانسته‌اند خود را با شرایط جدید تطبیق دهند. کاهش جریان نقدینگی موجب شده بسیاری از فعالان اقتصادی از معاملات بلندمدت اعتباری فاصله بگیرند. این نوع معاملات که پیش‌تر در صنایع مختلف از جمله معدن، فولاد و خودرو رایج بود، اکنون به‌شدت محدود شده و جای خود را به معاملات نقدی و کوتاه‌مدت یک ماهه داده است.

نرخ بهره‌ای که پس از جنگ در معاملات داخلی اعمال می‌شود، به‌طور قابل توجهی افزایش یافته و عرف بازار را تغییر داده است. این نرخ‌های بالا باعث شده بسیاری از تجار از انجام معامله صرف‌نظر کنند، چرا که با نوسانات قیمتی در بازارهای خارجی، به‌ویژه چین، امکان پوشش هزینه‌ها وجود ندارد.

در همین حال، رکود فصلی اقتصاد چین که معمولاً از آبان تا پایان تعطیلات سال نو چینی ادامه دارد، تقاضا برای مواد اولیه و محصولات صنعتی را کاهش داده و بازار صادراتی ایران را نیز تحت تأثیر قرار داده است. جشن سال نو چین در سال ۲۰۲۶ که نیمه فوریه (اواخر بهمن) برگزار خواهد شد، نسبت به سال گذشته با دو هفته تأخیر همراه است و این موضوع نیز در برنامه‌ریزی‌های تجاری اثرگذار بوده است.

در حالی که حدود سه ماه تا جشن شکوفه‌ها یا سال نو قمری چین باقی مانده، بازارهای جهانی به‌ویژه در شرق آسیا با رکود فصلی مواجه‌اند. این وضعیت، به‌طور مستقیم بر بازارهای داخلی ایران نیز اثر گذاشته و موجب کاهش تقاضا، محدود شدن معاملات بلندمدت و افزایش احتیاط در تصمیم‌گیری‌های تجاری شده است.

فعالان اقتصادی معتقدند که با توجه به رکود اقتصادی چین، نوسانات نرخ



بهره در بازار داخلی، کاهش نقدینگی و افزایش هیجانی نرخ ارز در روزهای گذشته، انتظار فراز و نشیب‌های قابل توجه در بازار وجود ندارد. معاملات اعتباری که پیش‌تر در صنایع مختلف از جمله معدن، فولاد و خودرو رایج بود، اکنون به‌شدت محدود شده و جای خود را به معاملات نقدی و کوتاه‌مدت داده است. با توجه به شرایط فعلی، به نظر می‌رسد بازار تا پایان سال میلادی و حتی تا جشن شکوفه‌ها در نیمه فوریه ۲۰۲۶، در همین وضعیت باقی بماند. این ثبات نسبی، اگرچه از جهاتی آرامش‌بخش است، اما از سوی دیگر مانع از رشد و تحرک اقتصادی در بخش‌های تولیدی و صادراتی خواهد بود. وی در پاسخ به پرسشی درباره چشم‌انداز ماه‌های باقی‌مانده از سال جاری در حوزه معدن و صنایع معدنی گفت: در شرایط فعلی اقتصادی، پیش‌بینی بیش از یک تا سه ماه آینده عملاً بی‌مورد است، چرا که عوامل متعددی از جمله روابط اقتصادی و سیاسی ایران با جهان بر تجارت داخلی و خارجی تأثیرگذار هستند.

وی با اشاره به تأثیر تحریم‌های بازگشته و فشارهای ناشی از اسنپ‌ک افزود: اگر این فشارها کاهش یابد و نرخ حمل‌ونقل دریایی افزایش پیدا نکند، می‌توان انتظار داشت که تجارت، به‌ویژه در حوزه صادرات به شرط رعایت عرضه مناسب در شرایط تقاضای بالا، اندکی بهبود یابد به شرطی که این تحریم‌های داخلی و تغییرات مکرر قوانین به‌وقوع نپیوندد.

به قول یک ضرب‌المثل معروف چینی: «دولت معقول، جهت باد را تنظیم می‌کند، نه بادبان کشتی مردم را.» این همان سیاستی است که شی جین پینگ در طول رهبری خود از مارس ۲۰۱۳ تا کنون رعایت کرده و با وضع قوانین توسعه‌ای و با رعایت زمان اجرای مناسب فقط به فکر تنظیم جهت باد برای افزایش بهره‌وری هر چه بیشتر بادبان کشتی‌های اقتصاد دولتی، خصوصی و مردمی چین بوده است. امیدواریم در نشست‌های جاری شورای گفتگو دولت و بخش خصوصی به این مهم توجه شود که اعمال ضرایب صادراتی بالا در بالای زنجیره بصورت لحظه‌ای، شوک به ادامه زنجیره نیز وارد می‌کند. مغتنم است هر اقدامی با یک بازه زمانی ۴ ماهه صورت گیرد، به عبارتی تا پایان سال جاری به تولیدکنندگان و صادرکنندگان محصولات به اصطلاح خام و نیمه خام فرصت داده شود و از ابتدای سال ۱۴۰۵ هرگونه تغییراتی هیجانی اعمال شود. این اصل مشتری‌مداری و احترام به حقوق مشتری خارجی است.

جعفری طهرانی همچنین به افزایش عرضه جهانی سنگ آهن و فولاد اشاره کرد و گفت: اکنون عرضه این محصولات از سوی اکثر کشورهای جهان افزایش یافته و همین موضوع فشار مضاعفی بر قیمت‌های صادراتی ایران وارد کرده است. در حال حاضر، برخی از محصولات تولیدی و صادراتی حتی سودآوری قابل توجهی برای کارخانه‌ها ندارند.

وی در پایان تأکید کرد: باید صبر کرد و دید در ماه‌های آینده چه اتفاقی رخ می‌دهد. امیدوارم وضعیت سیاسی و اقتصادی کشور به یک ثبات نسبی برسد و در این مدت باقی‌مانده تا پایان سال ۱۴۰۴، شاهد تغییرات هیجانی در قوانین و مقررات نباشیم. این تغییرات که گاه به‌عنوان تحریم داخلی از آن یاد می‌شود، می‌تواند مانع جدی برای بهبود شرایط اقتصادی باشد.

رشد ۳۰ درصدی تولید کنسانتره در معادن احیاء سپاهان عبور از مرز ۲.۱ میلیون تن در سال ۱۴۰۳

درصدی دیگر این معدن متعلق به تعاونی نیروی انتظامی است. در حال حاضر، ماهیانه حدود ۵۰ هزار تُن سنگ آهن دانه بندی از این معدن استخراج می شود که به طور مستقیم برای تأمین خوراک کارخانه های کنسانتره سازی احیاء مورد استفاده قرار می گیرد.

محمودپور تأکید کرد که تمرکز اصلی شرکت بر تأمین مستمر مواد اولیه، مشارکت در معادن پلاسری هم جوار و توسعه ظرفیت تولید کنسانتره قرار دارد و افزود: «هلدینگ احیاء نیز برنامه ای برای تکمیل زنجیره فولاد دارد، اما فعالیت ما در سطح استخراج و تولید کنسانتره متمرکز است.»

وی خاطرنشان کرد: «گذشته از معادن سنگ آهن، مجموعه احیاء ۴۲ درصد از تولید سنگ منگنز ایران را نیز در اختیار دارد که نقش مهمی در تأمین مواد اولیه صنایع فولادی کشور ایفا می کند.» مدیرعامل معادن سنگ آهن احیاء سپاهان در پایان با اشاره به رویکرد آینده شرکت گفت: «پروژه های افزایش بهره وری، بهبود فرایندهای تولید، کاهش مصرف انرژی، و اصلاح خطوط فرآوری از اولویتهای اصلی ما در سالهای آتی است. هدف نهایی ما تولید پایدار و باکیفیت در چارچوب توسعه معدنی کشور است.»

با ثبت رکورد تازه در تولید کنسانتره و گسترش فعالیت های معدنی، شرکت احیاء سپاهان جایگاه خود را به عنوان یکی از محورهای اصلی تأمین مواد اولیه زنجیره فولاد کشور تثبیت کرده و گام بلندی به سوی نوسازی و پایداری تولید برداشته است.



به گزارش معدن ۲۴، تولید کنسانتره در شرکت معادن سنگ آهن احیاء سپاهان طی سال ۱۴۰۳ با رشد ۳۰ درصدی نسبت به سالهای گذشته به بیش از ۲.۱ میلیون تُن رسید؛ دستاوردی که این شرکت را به عنوان یکی از پیشروترین مجموعه های معدنی شرق کشور تثبیت کرده است.

عبدالرضا محمودپور، مدیرعامل شرکت معادن سنگ آهن احیاء سپاهان، با اشاره به موقعیت این مجموعه اظهار کرد: «این شرکت به عنوان بزرگترین بهره بردار معادن پلاسری کشور در محدوده ای به وسعت ۵۷ کیلومتر مربع فعالیت دارد و روند توسعه خود را از استخراج سنگ آهن پلاسری و دانه بندی آغاز کرده و اکنون با تبدیل واحدهای خود به کارخانه های کنسانتره سازی، سالانه بیش از دو میلیون تن کنسانتره با کیفیت بالا تولید می کند.»

وی افزود: «کنسانتره تولیدی احیاء با کیفیت ممتاز در بورس عرضه می شود و نیاز بسیاری از واحدهای پایین دستی را در زنجیره فولاد کشور تأمین می کند.»

■ توسعه اکتشاف و خرید معادن مجاور

مدیرعامل شرکت معادن احیاء سپاهان با اشاره به کمبود ذخایر سنگ آهن در کشور گفت: «برای تضمین پایداری تولید، سال گذشته با مشارکت هلدینگ احیاء موفق شدیم ۵۲ درصد از سهام معدن "آسیا" - واقع در مجاورت معادن فعلی شرکت - را خریداری کنیم. سهم ۴۸



امیر علیقلی زاده صاحب نظر حوزه زنجیره فولاد:

مدیریت سرمایه و نقدینگی فولادسازان برای حفظ جریان صادرات در نیمه دوم سال

معدن ۲۴ - یک صاحب نظر حوزه زنجیره فولاد، احتمال سرازیر شدن مازاد محصولات چین به بازارهای منطقه را زنگ خطری برای صادرات فولادسازان ایرانی برشمرد و بر لزوم مدیریت سرمایه و نقدینگی در نیمه دوم امسال از سوی شرکتها تاکید کرد.

«امیر علیقلی زاده» در گفت و گو خبرنگار سایت خبری-تحلیلی معدن ۲۴ افزود: در خصوص وضعیتی که از ابتدای سال تاکنون در زنجیره

فولاد داشته ایم و پیش بینی که می توان از ماه های آینده داشته باشیم، مباحث در دو بخش داخلی و خارجی قابل تقسیم بندی است.

وی گفت: شرایط خارجی بسیار بر بازار داخلی و منطقه ای ما تاثیرگذار است در این زمینه دو اتفاق خاص در حال وقوع است.

علی قلی زاده ادامه داد: نخست، برنامه فولادسازی دولت چین برای سال ۲۰۲۶ است؛ برنامه ای که در دو تا سه ماه گذشته اعلام شده و دارای سه نکته اصلی است.

وی اضافه کرد: نکته نخست، افزایش بهره وری و حرکت به سمت محصولات با ارزش افزوده بالا است. موضوع دوم، افزایش ۴ درصدی تولید برخلاف انتظار بازار بود. چرا که همه کارشناسان و صاحب نظران انتظار داشتند دولت چین نسبت به کاهش تولید اقدام کند و از این طریق به بازار سیگنال مثبت بدهد اما دولت چین در یک حرکت غافلگیر کننده نسبت به افزایش تولید اقدام کرد. نکته سوم اما توقف افزایش ظرفیت فولادسازی چین بود.

صاحب نظر حوزه زنجیره فولاد با اشاره به برنامه ۵ ساله دولت چین خاطرنشان کرد: فولادسازی چین نیز در راستای همین برنامه در حال حرکت است، لذا احتمال سرازیر شدن مازاد محصولات چین به بازارهای منطقه ما جدیست و این زنگ خطری برای حوزه صادرات ما است.

وی بیان داشت: کشور هند نیز برنامه خود را اعلام کرده که آنها تولید ۳۰۰ میلیون تنی را برنامه ریزی کرده اند که سهم فولادهای خاص و آلیاژی و ویژه از آن ۵۰ میلیون تن می باشد. این مسئله نشان دهنده اهمیت این دسته از فولادها برای هند است.

وی اظهار داشت: از آنجایی که ایران نیز یکی از تولیدکنندگان فولاد آلیاژی در منطقه است، باید تولیدات و تحرکات هندی ها به شدت رصد شود.

■ حرکت کشورهای منطقه به سمت فناوری های روز و جدید در عرصه فولادسازی

علیقلی زاده گفت: آنچه در کشورهای منطقه نیز در حال اتفاق افتادن و دارای اهمیت است و آن حرکت به سمت فناوری های جدید و نوین است که این موضوع برای فولادسازی ایران خطرناک است.

وی بیان داشت: امروز به ویژه در عمان و عربستان شاهد حرکت به سمت فناوری های روز و جدید در عرصه فولادسازی هستیم و این زنگ

خطری برای ما است؛ چرا که فولادسازی ما به تدریج در حال پیر شدن است. و باید به سرعت درخصوص به روز رسانی کارخانجات و فناوری های خود حرکت کنیم.

علیقلی زاده با اشاره به آمارهای تولید در شش ماهه نخست امسال گفت: این آمار تقریباً با آمار تولید پارسال یکسان است و افزایش ۲ تا ۳ درصدی نشان می دهد. در تابستان امسال در مقایسه با تابستان سال گذشته

عملکرد بهتری داشتیم اما در بهار کمی ضعف داشتیم. وی اضافه کرد: در مجموع در نیمه نخست امسال حدود ۱۵ میلیون تن تولید داشتیم و علت عملکرد بهتر ما در تابستان، تمهیدات و اقدامات شرکت های بزرگ در موضوع تامین نهاده برق با احداث نیروگاه های سیکل ترکیبی یا خورشیدی یا در اختیار گرفتن آنها بود.

این صاحب نظر زنجیره فولاد اظهار داشت: در ماه های باقی مانده امسال به نظر می رسد مشکلات قطعی گاز جدی تر باشد و تفاوت شرایط در نیمه دوم با نیمه اول سال این

است که در ۶ ماهه دوم امسال شرکتها امکان تامین گاز ندارند. در این زمینه امیدواریم دولت به یاری تولید کنندگان بشتابد تا بتوانیم به تولید ۳۰ تا ۳۲ میلیون تن دست یابیم.

وی یادآور شد: در سال های گذشته که موضوع ناترازی ها اتفاق می افتد شرکتها در پاییز به جبران تولید می پرداختند، اما امسال با وجود انجام تولید، با رکود در بازار مواجهیم.

علی قلی زاده توضیح داد: امسال با کاهش مصرف ظاهری مواجهیم که به شرکتها آسیب خواهد زد و در نتیجه بازار حالت راکد پیدا کرده و امکان فروش محصولات بر فولادسازان کمتر می شود. این مسئله خود منجر به ایجاد مشکل نقدینگی در شرکتها خواهد شد.

وی امیدواری کرد شرکتها بتوانند به مدیریت سرمایه و نقدینگی خود بپردازند و گفت راهکار فرار از این مشکل توسعه جدی صادرات است.

این صاحب نظر زنجیره فولاد در عین حال بیان داشت: در حال حاضر نرخ ارز میلگرد و لوله پروفیل به تالار دوم بورس منتقل شده، اما بقیه زنجیره تالار اول باقی مانده است، هرچند صحبت هایی شده که ارز این قسمت از زنجیره با نسبت ۶۰ به ۴۰ به تالار دوم منتقل شود.

وی گفت: معتقدم این موضوع مناسب نیست و می تواند منجر به اختلاف شدید در زنجیره شده و توان زنجیره را به هم بزند. در این راستا بانک مرکزی باید هرچه سریع تر نسبت به اصلاح مصوبه و انتقال همه زنجیره به تالار دوم بورس اقدام کند.

او تصریح کرد: آنچه مغفول مانده و به ویژه در ماه های آینده که با مشکلات گازی و ارزی در زنجیره فولاد مواجهیم اهمیت می یابد، نقش رگولاتوری دولت است. احساس می کنم دولت کمی از نقش رگولاتوری خود فاصله گرفته و اگر ارتباط خوبی بین زنجیره تولیدی ما از جمله تشکلهای و انجمنها با دولت اتفاق بیفتد، شاید بتواند این نقش خود را بهتر ایفا کند.



نقش چادرملو در نظم دهی به قیمت گذاری بالادست زنجیره فولاد

بازار کالایی ایران طی یک دهه اخیر تلاش کرده است از شیوه‌های سنتی معامله فاصله بگیرد و به سمت سازوکارهای نوین و استاندارد حرکت کند. در همین راستا، بورس کالا اعلام کرد که شش محصول تازه شامل مس، روی، میلگرد، خودرو، قیر و گندله به دایره‌ی گواهی سپرده کالایی وارد شده‌اند؛ اقدامی که می‌تواند چشم‌انداز تازه‌ای برای شفافیت، استانداردسازی و کشف قیمت واقعی در بازار ایجاد کند. در میان این محصولات، گندله سنگ آهن چادرملو به عنوان یکی از مهم‌ترین کالاهای زنجیره فولاد نقشی ویژه دارد.

فرید دهقانی، مدیرعامل شرکت معدنی و صنعتی چادرملو، ورود گندله این شرکت به بازار گواهی سپرده را «گامی تعیین‌کننده برای بلوغ ساختاری بازار کالایی» توصیف می‌کند و معتقد است این ابزار می‌تواند جریان قیمت‌گذاری را در کل زنجیره فولاد متحول کند.

۲. کشف قیمت واقعی

بازار به جای آنکه تحت فشار بخش نامه، دستور یا توافق‌های غیرشفاف باشد، در بستر عرضه و تقاضا قیمت را تعیین می‌کند.

۳. کاهش هزینه‌های مبادله

حمل و نقل کمتر، حذف مذاکرات سنتی، کاهش ریسک کیفیت و سرعت بیشتر در معاملات، همگی هزینه‌های مبادله را کاهش می‌دهند.

۴. امکان برنامه‌ریزی بهتر

وقتی قیمت‌ها شفاف و نوسانات کنترل شده باشند، صنایع می‌توانند برنامه‌های تولید، فروش و سرمایه‌گذاری خود را با دقت بالاتر تنظیم کنند.



■ گواهی سپرده کالایی؛ عبور از روش‌های سنتی

گواهی سپرده کالایی، ابزاری شناخته شده در اقتصادهای پیشرفته است. در این سازوکار، کالا پس از تحویل به انبار استاندارد، به اوراق قابل معامله تبدیل می‌شود؛ اوراقی که مالکیت آن‌ها دقیق، شفاف و لحظه‌ای قابل انتقال است.

دهقانی در توضیح اهمیت این ابزار می‌گوید: گواهی سپرده کالایی قیمت را از دل عرضه و تقاضای واقعی بیرون می‌کشد. این یعنی پایان قیمت‌گذاری‌های مبهم، پایان معاملات تلفنی و آغاز دوره‌ای که بازار خودش به بهترین شکل قیمت را تعیین می‌کند.

به باور او، این سازوکار نه تنها حجم معاملات را افزایش می‌دهد، بلکه منجر به ایجاد نظم در بازارهایی می‌شود که پیش‌تر با نوسان، عدم شفافیت و تصمیم‌گیری‌های سلیقه‌ای مواجه بودند.

■ تنوع کالاهای؛ نشانگر بلوغ بازار

اینکه علاوه بر گندله چادرملو، محصولات مانند مس، روی، میلگرد، خودرو قیر نیز به این بازار راه یافته‌اند، نشان می‌دهد که گواهی سپرده کالایی دیگر ابزاری محدود به یک حوزه نیست.

ورود کالاهای صنعتی، ساختمانی و حتی خودرو که بازاری پرچالش و نوسانی دارد. مؤید ظرفیت بزرگ این ابزار برای تغییر ساختار معاملات کالایی در ایران است.

■ چالش‌ها و الزام‌های توسعه

دهقانی در کنار تأکید بر مزایا، چالش‌ها را نیز گوشزد می‌کند:

- تقویت زیرساخت‌های فنی
- ایجاد انبارهای استاندارد در سراسر کشور
- آشنایی فعالان بازار با سازوکار و مزایای این ابزار
- افزایش نظارت و رعایت استانداردهای کیفی

با این حال، او باور دارد که «ریسک‌های کوتاه‌مدت در برابر دستاوردهای بلندمدت بسیار ناچیز است» و چادرملو آماده است تجربیات خود را در اختیار سایر صنایع بگذارد.

■ چشم‌انداز آینده؛ بازاری شفاف، عمیق و قابل اتکا

توسعه گواهی سپرده کالایی می‌تواند پایه‌گذار بازاری باشد که در آن قیمت‌ها واقعی، تصمیم‌ها منطقی و معاملات شفاف است. چادرملو که اکنون نقش پیشگام را در عرضه گندله ایفا می‌کند، امیدوار است این مسیر موجب تقویت کل زنجیره‌های تولیدی کشور و ایجاد بازاری قابل اتکا برای صنایع مختلف شود.

■ تجربه گندله چادرملو؛ یک مدل برای سایر صنایع

چادرملو نخستین شرکت معدنی کشور است که گندله سنگ آهن خود را در قالب گواهی سپرده کالایی عرضه کرده است. این عرضه نه تنها به شکل‌گیری یک بازار رسمی و شفاف برای گندله کمک کرد، بلکه الگوی موفق برای ورود سایر کالاهای معدنی و فلزی به این بازار شد. دهقانی تأکید می‌کند که گندله، حلقه‌ای کلیدی در زنجیره فولاد است و شفافیت در ارزش‌گذاری آن بر کل این زنجیره اثر می‌گذارد. او توضیح می‌دهد: «وقتی قیمت گندله بر اساس داده‌های واقعی بازار مشخص شود، برنامه‌ریزی تولید، معاملات بین‌شرکتی و حتی تصمیم‌گیری‌های کلان صنعت فولاد هم منطقی‌تر می‌شود.» چادرملو با ایفای نقش مرجع در عرضه گندله، توانست دیدگاه جدیدی در ارزش‌گذاری مواد اولیه بالادست ایجاد کند؛ اقدامی که به گفته مدیرعامل این شرکت، باعث کاهش مداخلات غیرکارشناسی و تقویت تصمیم‌گیری مبتنی بر اطلاعات واقعی شده است.

■ مزایای اقتصادی گسترش گواهی سپرده کالایی

ورود گندله به همراه پنج محصول دیگر به این سازوکار موجب تقویت

شهرام شریعتی، صاحب نظر حوزه معدن سال ۱۴۰۴ نقطه بی بازگشت بخش معدن

معدن نیازمند زمان طولانی خواهد بود. در نه ماه گذشته اتفاقاتی افتاده که جبران آن ها در ماه های آینده ممکن نیست و حتی چشم انداز سال آینده نیز روشن نیست.

در مجموع، سال ۱۴۰۴ را می توان نقطه ای بحرانی برای بخش معدن ایران دانست؛ نقطه ای که عبور از آن نیازمند اصلاحات بنیادین، بازسازی روابط بین المللی و سرمایه گذاری گسترده در زیرساخت های معدنی است.

وی بیان کرد: چشم انداز روشنی برای بخش معدن تا پایان سال وجود ندارد. هیچ اتفاق ویژه ای در حال رخ دادن نیست و وعده هایی که از سوی کشورهایمانند چین و روسیه داده می شود، بیشتر بر مبنای منافع آن ها و در ازای نفت ایران است.

وی افزود: ما در حال حاضر با مشکلاتی مواجه هستیم که ریشه در سال های گذشته دارند، اما در سال جاری با عواملی مانند بازگشت ترامپ به کاخ سفید، فعال سازی اسنپ بک، تشدید تحریم ها و جنگ دوازده روزه، این بحران ها شدت یافته اند. جبران این آسیب ها در کوتاه مدت ممکن نیست.

این کارشناس همچنین با اشاره به پیش بینی بانک جهانی مبنی بر رشد منفی اقتصاد ایران در سال ۱۴۰۵ (۲۰۲۶ میلادی) گفت: بخش معدن به عنوان بخشی از اقتصاد ملی، قطعاً از این روند منفی تأثیر خواهد پذیرفت و باید از هم اکنون انتظار رکود عمیق تری را داشت.

گفتنی است: در مجموع، به نظر می رسد که بدون رفع کامل تحریم ها، بازسازی روابط بین المللی و اصلاحات ساختاری در حوزه معدن، نمی توان به بهبود شرایط در آینده نزدیک امیدوار بود.

با گذشت بیش از هشت ماه از سال ۱۴۰۴، وضعیت بخش معدن و صنایع معدنی ایران همچنان بحرانی و بدون نشانه ای از بهبود باقی مانده است و این موضوع نه تنها در ماه های گذشته گشایشی حاصل نشده، بلکه چشم انداز ماه های باقی مانده نیز تیره تر از قبل ارزیابی می شود.

شهرام شریعتی صاحب نظر حوزه معدن در گفت و گو با خبرنگار "معدن ۲۴" گفت: سال ۱۴۰۴ برای بخش معدن و صنایع معدنی ایران، سالی سرشار از بحران های تشدید شده بوده که ریشه آن ها به سال های گذشته بازمی گردد. اتفاقات امسال ادامه روندهای ساختاری و مدیریتی سال های قبل است، اما با ورود کاتالیزورهای جدید، این بحران ها با سرعت و شدت بیشتری بروز کرده اند.

وی در ادامه بیان کرد: بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید در سال ۲۰۲۵، فعال سازی مکانیسم اسنپ بک از سوی اروپا و آژانس بین المللی انرژی، و تشدید تحریم ها، فضای اقتصادی ایران را به شدت تحت تأثیر قرار داده اند و همچنین وقوع جنگ دوازده روزه در منطقه نیز به عنوان یکی از عوامل بی ثبات کننده، بر تعاملات تجاری و امنیت اقتصادی کشور سایه افکنده است.

وی یادآور شد: ضعف های مدیریتی، محدودیت در اکتشافات، ناکارآمدی در فرآوری و چالش های صادراتی، همگی ریشه در سیاست گذاری های ناکارآمد سال های گذشته دارند. این مشکلات در سال جاری به مرحله ای رسیده اند که به نظر می رسد راه حل کوتاه مدتی برای آن ها وجود ندارد.

در حالی که برخی امیدها به بهبود روابط بین المللی و کاهش تحریم ها وجود دارد، حتی در صورت رفع برخی محدودیت ها، جبران خسارات وارده به بخش



نوید حسینی‌علائی، استاد دانشگاه

نقدی بر عملکرد صندوق بیمه سرمایه‌گذاری فعالیت‌های معدنی ایران

راهی از بیمه‌گری اداری به مدیریت ریسک حرفه‌ای

یکی از اشتباهات ساختاری در مدل کنونی صندوق، تبدیل بیمه به ضمانت بانکی است. بیمه باید مبتنی بر پذیرش ریسک فنی، ارزیابی احتمال وقوع و تعیین حق بیمه متناسب باشد.

اما در صندوق فعلی، صدور ضمانت‌نامه بیشتر تابع روابط بانکی و مدارک اعتباری است تا تحلیل علمی معدن. در نتیجه، نه تنها انگیزه نوآوری بیمه‌ای شکل نگرفته، بلکه منابع صندوق هم در معرض ریسک‌های غیر فنی قرار گرفته‌اند.

■ پیشنهاد های فنی و ساختاری برای باز آفرینی صندوق

(۱) ایجاد مرکز تحلیل ریسک معدنی: واحدی متشکل از زمین‌شناسان اقتصادی، مهندسان معدن و تحلیل‌گران مالی که مدل ارزیابی ریسک پروژه‌ها را با داده‌های ژئوشیمیایی و حفاری طراحی کند؛ به گونه‌ای که صدور بیمه‌نامه مبتنی بر واقعیت فنی معدن باشد، نه صرفاً مدارک اداری.

(۲) تنوع‌بخشی به محصولات بیمه‌ای: طراحی بیمه‌های تخصصی مانند بیمه شکست اکتشاف، بیمه نوسان قیمت مواد معدنی و بیمه باز توانی محیط‌زیستی؛ مشابه مدل‌های آفریقای جنوبی و کانادا.

(۳) اتصال داده‌ای با سازمان زمین‌شناسی: صندوق باید دسترسی مستقیم به داده‌های NGDIR و نقشه‌های زمین‌شناسی داشته باشد تا بتواند ریسک مکانی پروژه‌ها را دقیق ارزیابی کند.

(۴) مشارکت بخش خصوصی در بیمه‌گری: همانند کشورهای پیشرفته، باید امکان همکاری شرکت‌های بیمه خصوصی با صندوق در قالب بیمه‌گری مشترک (Co-insurance) فراهم شود تا منابع و تجربه بخش خصوصی وارد شود.

(۵) تمرکز زدایی و توسعه دفاتر منطقه‌ای: ایجاد دفاتر ارزیابی فنی در مناطق معدنی مانند یزد، کرمان، خراسان و آذربایجان برای تسریع در خدمت‌رسانی و ارزیابی میدانی پروژه‌ها.

(۶) بازنگری در شاخص‌های عملکرد: ارزیابی صندوق باید بر پایه شاخص‌هایی چون نسبت خسارت به حق بیمه، نرخ پوشش معادن کوچک و میزان جذب سرمایه‌گذاری انجام شود؛ نه صرفاً حجم ضمانت‌نامه‌های صادر شده.

■ نگاه به آینده: از بیمه اداری به بیمه هوشمند

صندوق بیمه سرمایه‌گذاری فعالیت‌های معدنی می‌تواند در مسیر توسعه صنعتی کشور نقش کلیدی داشته باشد؛ به شرط آنکه از ساختار اداری فعلی عبور کند و به سمت مدیریت ریسک فناورانه و داده‌محور حرکت کند.

در عصر هوش مصنوعی، داده‌های زمین‌شناسی، قیمت جهانی مواد معدنی و حتی ریسک‌های اقلیمی قابل تحلیل و پیش‌بینی‌اند. صندوق اگر این ابزارها را به کار گیرد، می‌تواند نه تنها ضامن سرمایه‌گذاران باشد، بلکه به یک مرجع تحلیلی هوشمند برای تصمیم‌سازی در بخش معدن ایران تبدیل شود.

■ جمع‌بندی

اکنون زمان آن رسیده که صندوق بیمه سرمایه‌گذاری فعالیت‌های معدنی از یک نهاد «ضامن‌وام» به یک نهاد مدیر ریسک حرفه‌ای تبدیل شود.

باز آفرینی این صندوق نه با تغییر آیین‌نامه، بلکه با تغییر رویکرد ممکن است؛ رویکردی که بیمه‌را نه ابزار اداری، بلکه ابزاری برای تحلیل، اعتماد سازی و توسعه سرمایه‌گذاری پایدار در معدن ایران بداند.

بخش معدن ایران سال‌هاست که با دو مانع اساسی مواجه است: ریسک بالا و کمبود منابع مالی پایدار. از یک سو، ریسک اکتشاف و نوسان بازار باعث شده سرمایه‌گذاران خصوصی تمایل کمتری به ورود به پروژه‌های معدنی داشته باشند، و از سوی دیگر نظام بانکی کشور تمایل اندکی به اعطای تسهیلات به پروژه‌های پیرریسک دارد.

برای حل این مشکل، در دهه هفتاد صندوق بیمه سرمایه‌گذاری فعالیت‌های معدنی با هدف پوشش ریسک‌های اکتشافی و تسهیل سرمایه‌گذاری تشکیل شد؛ اما اکنون، پس از بیش از دو دهه فعالیت، عملکرد این صندوق نیازمند بازنگری جدی است.

■ از هدف تا واقعیت

هدف اصلی صندوق، کاهش ریسک سرمایه‌گذاری در معدن و کمک به تأمین مالی این بخش بود. دو مأموریت کلیدی برای آن تعریف شد:

(۱) بیمه فعالیت‌های معدنی در برابر ریسک‌های فنی و طبیعی،
(۲) تضمین بازپرداخت تسهیلات بانکی برای پروژه‌های معدنی.

اما در عمل، مأموریت دوم یعنی «ضمانت تسهیلات بانکی» به محور اصلی فعالیت صندوق تبدیل شده و بخش بیمه‌ای آن که باید نقش واقعی در مدیریت ریسک ایفا کند، کمتر توسعه یافته است. امروز صندوق بیش از آنکه یک «بیمه‌گر تخصصی معدن» باشد، به یک «ضامن دولتی» شباهت دارد.

■ ضعف در ارزیابی فنی و داده‌محوری

یکی از چالش‌های اصلی صندوق، نبود نظام علمی ارزیابی ریسک فنی پروژه‌هاست.

در بسیاری از موارد، ارزیابی‌ها بر اساس مدارک ثبتی و نه بر مبنای تحلیل داده‌های ژئولوژیکی، حفاری، یا اقتصادی انجام می‌شود. در نتیجه، نرخ‌های بیمه و سطح پوشش ریسک به درستی با واقعیت معدن همخوانی ندارد.

در کشورهای معدنی پیشرو مانند کانادا، شیلی و استرالیا، شرکت‌های بیمه و نهادهای تضمین دولتی از مدل‌های تحلیلی داده‌محور برای محاسبه ریسک اکتشاف و استخراج استفاده می‌کنند. داده‌های ژئومتالورژیکی، نقشه‌های زمین‌شناسی و اطلاعات بازار در یک مدل ریاضی تلفیق می‌شود تا ریسک به صورت کمی ارزیابی شود.

در ایران، چنین زیرساختی هنوز شکل نگرفته است، در حالی که با وجود پایگاه ملی داده‌های علوم زمین، امکان فنی این کار کاملاً فراهم است.

■ فاصله با نیازهای واقعی معدن‌کاران

بسیاری از فعالان معدنی به ویژه در معادن کوچک و متوسط، معتقدند فرآیندهای اداری صندوق پیچیده و زمان‌بر است. در واقع، صندوق در سال‌های اخیر بیشتر با بوروکراسی بانکی گره خورده تا با ماهیت فنی معدن.

از سوی دیگر، تمرکز اداری در تهران و نبود دفاتر تخصصی در استان‌های معدنی باعث شده ارتباط صندوق با بخش خصوصی در استان‌ها ضعیف باشد. این در حالی است که در کشورهای معدنی موفق، دفاتر منطقه‌ای نهادهای مشابه مستقیماً در کنار پروژه‌ها مستقرند و کارشناسان فنی، ارزیابی‌های میدانی انجام می‌دهند.

■ بیمه‌گری واقعی یعنی پذیرش ریسک با تحلیل، نه با ضمانت



شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر
GOLGOHAR MINING & INDUSTRIAL COMPANY
روابط عمومی و امور بین الملل



WWW.GEG.IR

رویش باور ما در دل کویر

GOLGOHAR
MINING & INDUSTRIAL COMPANY



مسعود رازفر، کارشناس ارشد بازار فولاد و مواد اولیه هزینه‌سازی اضافی بر تجارت صنایع معدنی

تحریم‌های سازمان ملل، نسبت به تأثیرات بلندمدت این تحول بر مراودات مالی، صادرات و سرمایه‌گذاری در زنجیره فولاد هشدار داد.

وی اظهار داشت: با تشدید تحریم‌ها، ارتباط با مشتریان خارجی محدودتر شده و هزینه‌های انتقال پول افزایش یافته است. این موضوع باعث کاهش تمایل صادرکنندگان به حضور در بازارهای جهانی و افت سودآوری آن‌ها شده است.

رازفر با تأکید بر رشد صادرات در شش ماهه نخست سال ۱۴۰۴، به‌ویژه

در حوزه سنگ آهن، کنسانتره، آهن اسفنجی و اسلب، خاطرنشان

کرد که این روند در صورت تداوم محدودیت‌های بانکی پایدار

نخواهد بود. وی افزود: قدرت چانه‌زنی ما با مشتریان سنتی

مانند چین و هند کاهش یافته و هزینه‌های بازگشت

منابع مالی بیشتر شده است.

او همچنین به دشواری‌های فزاینده در همکاری با

مؤسسات مالی، تراستی‌ها و صرافی‌ها اشاره کرد و گفت:

این محدودیت‌ها نه تنها هزینه‌ها را بالا می‌برد، بلکه ریسک

سرمایه‌گذاری در بخش‌های بالادستی زنجیره، به‌ویژه در حوزه

معدن، ماشین‌آلات، تکنولوژی و اکتشاف را نیز افزایش می‌دهد.

رازفر در ادامه به بحران‌های زیرساختی اشاره کرد و گفت: کمبود آب، افت

فشار گاز و برق، که هر ساله موجب نوسانات در زنجیره تولید می‌شدند،

با تشدید تحریم‌های بین‌المللی و بازگشت محدودیت‌های فراگیر، زنجیره تولید و صادرات فولاد کشور با چالش‌های جدی مواجه شده است. در این میان، کارشناسان معتقدند با اصلاح سیاست‌های داخلی و تسهیل‌گری در حوزه‌های مالی، لجستیکی و انرژی، می‌توان تهدیدهای موجود را به فرصت‌هایی برای حفظ ارزآوری و پایداری تولید تبدیل کرد.

مسعود رازفر، کارشناس ارشد بازار فولاد و مواد اولیه در گفت‌وگو با معدن ۲۴ با اشاره به تغییر و تحولات بازار کامودیتی‌ها در زنجیره سنگ آهن و فولاد در سال جاری، به بررسی سه محور اصلی تأثیرگذار بر این بازار پرداخت.

وی اظهار داشت: مطابق سنوات گذشته، سه عامل کلیدی شامل موانع و محدودیت‌های داخلی، تغییرات بازارهای جهانی، و حوادث پیش‌بینی‌نشده، مبنای تحلیل وضعیت زنجیره آهن و فولاد هستند.

رازفر با اشاره به پیش‌بینی‌های انجام‌شده در سال گذشته، تأکید کرد که این پیش‌بینی‌ها عمدتاً بر اساس

دو عامل نخست صورت گرفته بود، اما وقوع جنگ دوازده‌روزه

از خردادماه و پیامدهای سیاسی پس از آن، موجب اختلال در

روند معمول بازار شد. وی افزود: این جنگ منطقه‌ای باعث کاهش تولید و

تهدیداتی در حوزه لجستیک و حمل‌ونقل شد که تأثیر مستقیم بر زنجیره تأمین داشت.

با این حال، وی خاطرنشان کرد که واحدهای تولیدی با توجه به تجربه سال‌های گذشته در مواجهه با چالش‌هایی نظیر کمبود برق و آب، آمادگی نسبی برای مقابله با چنین تنش‌هایی را داشته‌اند. رازفر ابراز امیدواری کرد که با مدیریت صحیح، اثرات این اختلالات محدود باقی بماند و روند تولید و بازرگانی به ثبات برسد.

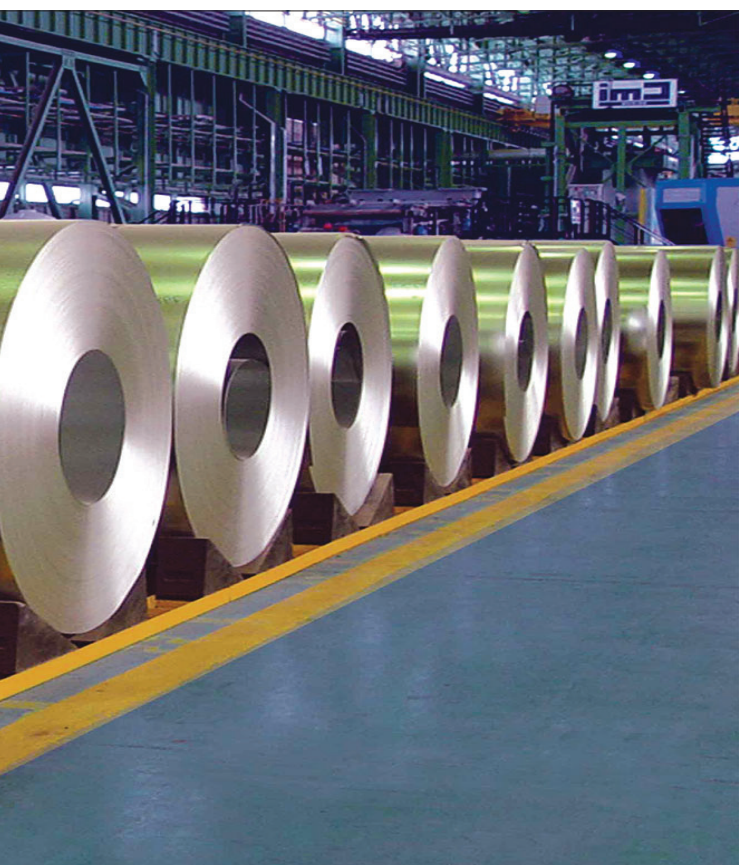
وی با اشاره به تحولات اخیر در بازار زنجیره سنگ آهن و فولاد، تأکید کرد که علیرغم وقوع جنگ دوازده‌روزه و بازگشت برخی تحریم‌ها، واحدهای تولیدی کشور ناخواسته از تولید عقب‌نشینی نکرده‌اند و کاهش تولید ناشی از عوامل خارج از حلقه‌های اصلی زنجیره بوده است.

وی افزود: ظرفیت‌سازی در مواجهه با محدودیت‌ها همواره بخشی از برنامه‌ریزی ما بوده و آمادگی مقابله با چالش‌هایی نظیر کمبود برق و آب در تابستان، و جایگزینی آن با گاز در زمستان، از قبل ظرفیت‌سازی تحمل تنش‌ها را برای ما ایجاد کرده بود.

رازفر با اشاره به پیش‌بینی‌های سال گذشته مبنی بر نوسانات محدود قیمت‌ها و عدم جهش اساسی در بازار جهانی، گفت: انتظار می‌رفت صادرات با اختلال مواجه شود، اما آمارها خلاف این را نشان می‌دهند. در شش ماهه نخست سال ۱۴۰۴، حتی در برخی حلقه‌های بالادستی شاهد افزایش صادرات هم بوده ایم.

وی بیان کرد: فعال شدن مکانیزم ماشه (Snapback) و بازگشت تحریم‌ها پس از جنگ دوازده‌روزه، شوک ناگهانی به بازار وارد کرده‌اند که آثار آن در بلندمدت نمایان خواهد شد.

رازفر با اشاره به بازگشت تحریم‌ها از سطح محدودیت‌های ایالات متحده به



وی با توجه به شرایط پیچیده اقتصادی و تحریم‌های بین‌المللی، تأکید کرد که با وجود محدودیت‌های مالی و سیاسی، همچنان امکان حفظ و توسعه صادرات در زنجیره فولاد وجود دارد، به شرط آنکه سیاست‌گذاری داخلی به سمت تسهیل‌گری حرکت کند.

او اظهار داشت: در سال‌های گذشته، بازرگانان و تولیدکنندگان در بخش‌های دولتی، خصوصی و خصولتی نشان داده‌اند که در مواجهه با تنش‌های منطقه‌ای و جهانی، راه خود را پیدا می‌کنند. اگر بتوانیم در داخل کشور در حوزه‌هایی مانند عوارض، مالیات، برگشت ارزی، و لجستیک (شامل حمل‌ونقل، بندر و گمرک) شرایط را تسهیل کنیم، مازاد تولید حلقه‌های زنجیره به راحتی صادر خواهد شد. رازفر با اشاره به کاهش صادرات محصولات پایین‌دستی مانند تیر آهن، ورق و میلگرد در شش ماهه نخست سال، این افت را نشانه‌ای از کاهش تقاضا در بازارهای مصرف و تأثیرات اولیه تنش‌های منطقه‌ای و مکانیسم اسنپ‌بک دانست. وی افزود: این کاهش می‌تواند زنگ خطری برای آینده باشد، به ویژه در سال ۱۴۰۵ و نیمه دوم ۲۰۲۶ که اثرات تحریم‌ها و تنش‌ها به طور کامل نمایان خواهند شد.

او همچنین بر نقش دولت در جلوگیری از قطعی حامل‌های انرژی برای واحدهای فولادی و معدنی تأکید کرد و گفت: اگر برنامه‌ریزی منسجم برای تأمین برق، آب و گاز صورت گیرد، می‌توان از فرصت فعلی برای ارزآوری و حفظ پویایی تولید استفاده کرد.

رازفر در پایان خاطرنشان کرد: هرچند سرمایه‌گذاری بلندمدت در حوزه اکتشاف، ماشین‌آلات و تکنولوژی ضامن بقای زنجیره است، اما ریسک‌های سرمایه‌گذاری در شرایط فعلی افزایش یافته و سهم بیشتری در مطالعات امکان‌سنجی پروژه‌ها به خود اختصاص داده‌اند. تبدیل تهدید به فرصت، نیازمند اقدام سریع و هدفمند در سیاست‌گذاری داخلی است.

امسال با شدت بیشتری بروز خواهند کرد و تعادل زنجیره را بیش از پیش تهدید می‌کنند.

وی گفت: مجموعه این عوامل، در صورت نبود مدیریت صحیح، می‌تواند چالش‌های جدی برای آینده صنعت فولاد و معدن کشور ایجاد کند.

وی با اشاره به بازه زمانی شش ماهه دوم سال جاری، تأکید کرد که هنوز اثرات کامل تحریم‌های جدید و محدودیت‌های بین‌المللی بر تولید و صادرات نمایان نشده‌اند، اما این تأثیرات در سال ۲۰۲۶ میلادی و ۱۴۰۵ شمسی به صورت ملموس بروز خواهند کرد.

این کارشناس ارشد اظهار داشت: اگر در ادامه سال جاری تنش سیاسی جدیدی در منطقه رخ ندهد، می‌توان امیدوار بود که اختلالات شدیدتری در زنجیره تولید و صادرات ایجاد نشود. اما در صورت بروز تنش، تحلیل دقیق‌تری از پیامدهای آن ضروری خواهد بود.

رازفر در ادامه به اقدامات جبرانی اشاره کرد و گفت: با توجه به ظرفیت‌های موجود، می‌توان از فاصله زمانی تا اثرگذاری کامل تحریم‌ها برای تسهیل صادرات و تولید استفاده کرد. با این حال، در ماه‌های اخیر عزمی جدی برای این تسهیل‌گری مشاهده نشده است.

او به مشکلات ساختاری در سیاست‌های ارزی کشور اشاره کرد و افزود: مسائلی مانند برگشت ارزی در تالار دوم، محدودیت‌های واردات در قبال صادرات، و اختلاف فاحش نرخ ارز دولتی با نرخ بازار آزاد، از جمله چالش‌هایی هستند که مانع بهره‌برداری بهینه از فرصت‌های صادراتی می‌شوند.

رازفر تأکید کرد که کاهش نرخ ارز برای صادرات ممکن نیست، اما تسهیل واردات با نرخ ارز دولتی می‌تواند بخشی از مشکلات را کاهش دهد. وی افزود: هرچند این اقدام تبعاتی برای سامانه مبادلات ارزی دارد، اما در کنار آن می‌توان با سیاست‌گذاری مناسب، تسهیل‌گری مؤثری انجام داد.



نخستین تولید کننده بریکـت گرم (HBI) در کشور
سومین کشور در خاور میانه و نهمین کشور در دنیا
The First Producer of Hot Briquetted Iron (HBI) in Iran with 1,5 Million

HBI Advantages

مزایای محصول HBI

All DRI Usage

کلیه کاربرد های DRI

Lack of Self-Igniting

عدم خود اشتعالی

Safe Transportation

سهولت در حمل و نقل

Reducing Shipping Risk

کاهش ریسک حمل دریایی

سهولت در انبارش حتی در محیط باز

Minimum risk of overheating during storage even in outdoor area

قابلیت شارژ مداوم در کوره های EAF

Continuous charging capability in EAF

قابلیت شارژ بسته ای در کوره های EAF

Basket charging capability in EAF

قابلیت پیش گرمایش جهت شارژ در کوره های EAF

Preheating function capability for charging In EAF

Factory address: Persian Gulf
Mineral & Metal Industries
Economic Zone
13 KM. Shahid Rajaei Port Road,
Bandar Abbas, Iran
Phone: +98 76-3100
Email: bpgss@sabasteel.co

دفتر تهران: خیابان ولیعصر (عج)، خیابان شهید سرتیپ هوشنگ
وحید دستگردی (ظ-فر)، پلاک ۳۸۰، طبقه ۴
تلفن: ۰۲۱۹۱۰۹ ۱۳۶۱

کارخانه: بندر عباس - کیلومتر ۱۳ جاده اسکله شهید رجایی
منطقه ویژه اقتصادی صنایع معدنی و فلزی خلیج فارس
تلفن: ۰۷۶-۳۱۰۰

www.sabasteel.co

info@sabasteel.co

استراتژی سیلوهای مالیاتی؛ راهکاری برای حفاظت از حقوق دولتی معادن یا حبس سرمایه

رضا موسایی؛ سیاست‌پژوه معدن

■ مقدمه

خزانه ملی را همچون یک مخزن بزرگ تصور کنید که قرار است از طریق درآمد‌های معدنی پر شود. اما این مخزن یک نشتی بزرگ و پنهان دارد. شرکت‌های بزرگ معدنی، اغلب یک معدن بسیار سودآور را در کنار چندین پروژه اکتشافی پرهزینه و نامطمئن اداره می‌کنند. از طریق یک سازوکار قانونی به نام «تجمیع مالیاتی»، آن‌ها مجازند زیان‌های یک پروژه را از سود پروژه دیگر کسر کنند. در عمل، این به معنای آن است که سود حاصل از گنجینه ملی، به جای سرازیر شدن به مخزن خزانه، صرف پر کردن چاله‌های مالی پروژه‌های دیگر می‌شود. این نشتی مداوم، دولت‌ها را به سمت یک استراتژی هوشمندانه سوق داده است: «استراتژی سیلوهای مالیاتی» یا حصارکشی (Ring-Fencing)؛ رویکردی که هر پروژه معدنی را در یک سیلوی مالی مجزا و غیرقابل نفوذ قرار می‌دهد.



■ **خطر حفاظت بیش از حد؛ وقتی سیلوها به قفس تبدیل می‌شوند**
با این حال، اگر این سیلوها بیش از حد سخت‌گیرانه و غیرقابل نفوذ طراحی شوند، می‌توانند به قفسی برای سرمایه و نوآوری تبدیل شوند:
• **سرد کردن موتور اکتشاف:** اکتشاف، خون حیات‌بخش آینده صنعت معدن است. این فرآیند ذاتاً پرریسک است و بسیاری از تلاش‌ها به کشف ذخایر اقتصادی منجر نمی‌شود. اگر شرکت‌ها نتوانند ریسک مالی این شکست‌ها را از طریق سودهای دیگر خود مدیریت کنند، انگیزه آن‌ها برای اکتشاف در مناطق جدید به شدت کاهش می‌یابد. در این حالت، شرکت‌ها تنها به سراغ «فرصت‌های مطمئن» می‌روند و کشف ذخایر استراتژیک جدید متوقف می‌شود.
• **باتلاق بوروکراسی:** اجرای این استراتژی، یک چالش اداری بزرگ است. شرکت‌ها باید سیستم‌های حسابداری پیچیده و تفکیک‌شده‌ای را پیاده‌سازی کنند و دولت نیز باید توان نظارتی و حسابرسی خود را به شکل چشمگیری افزایش دهد. نحوه تخصیص هزینه‌های مشترک (مانند هزینه‌های دفتر مرکزی) به هر سیلو، خود به یک منبع جدید برای اختلافات طولانی و پرهزینه مالیاتی تبدیل می‌شود.

■ چرا سیلوها کار می‌کنند؟ منطق حفاظت از حقوق دولتی معادن

قرار دادن هر پروژه در یک سیلوی مالی مجزا، یک سپر دفاعی چندلایه برای منافع عمومی ایجاد می‌کند:
(۱) درآمد نقدی، نه وعده‌های آتی: بزرگ‌ترین مزیت این استراتژی، تبدیل سودهای دفتری به پول نقد در حساب دولت است. وقتی سود یک پروژه نتواند با زیان پروژه‌های دیگر تهاتر شود، مالیات آن به صورت قطعی و در همان دوره مالی پرداخت می‌شود. این امر به دولت قدرت برنامه‌ریزی می‌دهد و ثبات را به بودجه‌های عمومی تزریق می‌کند.
(۲) دیوار آتش در برابر سرایت ریسک: هر پروژه معدنی ریسک‌های خاص خود را دارد. استراتژی سیلوها مانند یک دیوار آتش (Firewall) عمل می‌کند و مانع از آن می‌شود که «ویروس» زیان یک پروژه اکتشافی شکست‌خورده یا یک سرمایه‌گذاری جانبی ناموفق، به «سلول سالم» یک معدن سودآور سرایت کند و آن را از درون تهی سازد. به این ترتیب، ثروت ملی در برابر ریسک‌های تجاری شرکت مصون می‌ماند.
(۳) دموکراتیزه کردن زمین بازی: در غیاب سیلوهای مالیاتی، شرکت‌های بزرگ و قدیمی از یک مزیت ناعادلانه برخوردارند. آن‌ها می‌توانند با پشتوانه سودهای جاری خود، با جسارت بیشتری وارد پروژه‌های جدید شوند. این امر فضا را برای ورود بازیگران جدید و کوچک‌تر تنگ می‌کند. استراتژی سیلوها این «مزیت رانتی» را از بین می‌برد و با ایجاد شرایط برابر، رقابت را در بخش معدن افزایش می‌دهد.

■ راه حل: سیلوی هوشمند با دریچه‌های کنترل‌شده

راهکار بهینه، نه ساختن دیوارهای بتنی، بلکه طراحی «سیلوهای هوشمند» با دریچه‌های کنترل‌شده است. سیاست‌گذاران باید از رویکرد صفر و صدی فاصله گرفته و یک چارچوب منعطف طراحی کنند:
• **تشکیل خوشه‌های پروژه‌ای:** می‌توان به جای تمرکز بر هر پروژه به صورت منفرد، معادن مجاور که از نظر زمین‌شناسی یا زیرساختی به هم متصل هستند را در یک «خوشه مالیاتی» قرار داد. این کار هم به واقعیت‌های عملیاتی نزدیک‌تر است و هم از پیچیدگی‌های اداری می‌کاهد.
• **تدوین پروتکل‌های شفاف تخصیص:** دولت باید یک راهنمای شفاف و عملی برای نحوه تخصیص هزینه‌های مشترک ارائه دهد تا از تفسیرهای سلیقه‌ای و سوءاستفاده‌های احتمالی جلوگیری شود.

■ نتیجه‌گیری

استراتژی سیلوهای مالیاتی، ابزاری حیاتی برای تبدیل ثروت زیرزمینی به رفاه عمومی است. اما این ابزار زمانی مؤثر است که با دقت و هوشمندی به کار گرفته شود. هدف نهایی، ساختن دیوارهای بلند و غیرقابل نفوذ نیست، بلکه ایجاد یک معماری مالی هوشمند است که تضمین کند نشی در آمد متوقف شده و در عین حال، جریان سرمایه و نوآوری در رگ‌های صنعت معدن کشور متوقف نشود. در نهایت، موفقیت این استراتژی در گرو آن است که ثروت خفته در دل زمین، به شکلی پایدار و عادلانه به رفاه و توسعه روی زمین تبدیل شود.

بهبود ۸ درصدی تولید کنسانتره آهن صبانور در شرایط دشوار اقتصادی



برای افزایش تقاضا در نیمه دوم سال و به‌ویژه در بازارهای صادراتی، انتظار می‌رود که این روند افزایشی ادامه یابد.

■ توسعه پروژه‌ها و ارتقای فناوری برای تقویت جایگاه صبانور در صنعت فولاد

طبق اطلاعات منتشرشده در کدال، شرکت صبانور در حال پیگیری پروژه‌های مختلف توسعه‌ای است که شامل تکمیل طرح‌های افزایش ظرفیت تولید، ارتقای فناوری خطوط فرآوری و بهینه‌سازی مصرف انرژی می‌باشد. همچنین، این شرکت به‌طور مستمر در حال گسترش بازارهای هدف داخلی و خارجی خود است تا سهم خود را در زنجیره تولید فولاد کشور و همچنین در بازارهای بین‌المللی تقویت کند. از مهم‌ترین برنامه‌های آتی صبانور می‌توان به توسعه و نصب تکنولوژی‌های جدید در خطوط تولید و فرآوری اشاره کرد که باعث افزایش کیفیت و کاهش هزینه‌های تولید خواهد شد.

■ برنامه‌های آتی و اهداف بلندمدت

مدیریت صبانور اعلام کرده است که هدف اصلی از اجرای این برنامه‌های توسعه‌ای، تثبیت جایگاه این شرکت به‌عنوان یکی از تأمین‌کنندگان راهبردی مواد اولیه در صنعت فولاد کشور است. همچنین، ارتقای توان رقابتی محصولات و گسترش سهم این شرکت در بازارهای منطقه‌ای و بین‌المللی از دیگر اهداف بلندمدت این شرکت است. در همین راستا، صبانور برنامه‌های گسترده‌ای برای توسعه زیرساخت‌ها، بهینه‌سازی فرآیندهای تولید و کاهش هزینه‌ها در دست اجرا دارد که انتظار می‌رود در آینده نزدیک باعث رشد بیشتر در بخش‌های مختلف این شرکت شود.

رشد قابل توجه تولید، صادرات و فروش ریالی در نیمه نخست سال ۱۴۰۴، نشان‌دهنده عملکرد مثبت صبانور در محیط چالش‌برانگیز اقتصادی است. با توجه به استمرار روند مثبت تولید و فروش و برنامه‌های توسعه‌ای این شرکت، به نظر می‌رسد که صبانور در آینده‌ای نزدیک توانایی حفظ و ارتقای جایگاه خود را در بازارهای داخلی و جهانی داشته باشد.

طبق گزارش منتشرشده در سامانه کدال، شرکت توسعه معدنی و صنعتی صبانور در پایان مهرماه ۱۴۰۴ توانسته است تولید کنسانتره آهن خود را نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۸ درصد افزایش دهد. این رشد قابل توجه در شرایطی به‌دست آمده که صنعت معدن و فولاد کشور با چالش‌های مختلفی از جمله محدودیت‌های انرژی، نوسانات قیمت مواد اولیه و مشکلات لجستیکی مواجه بوده است. این موفقیت به‌ویژه در شرایط بحران انرژی و تحریم‌های اقتصادی، گامی مهم برای صبانور به‌شمار می‌آید. از جمله دلایل این رشد، بهینه‌سازی خطوط تولید و بهره‌برداری بهینه از ظرفیت‌ها و مدیریت دقیق زنجیره تأمین بوده است.

■ رشد ۵۴ درصدی صادرات کنسانتره آهن و رکورد جدید در فروش خارجی

در بخش تجارت خارجی، صبانور موفق به ثبت یک دستاورد چشمگیر در صادرات کنسانتره آهن خود شده است. بر اساس گزارش‌های کدال، فروش تناژ کنسانتره صادراتی این شرکت نسبت به دوره مشابه سال گذشته ۵۴ درصد افزایش یافته است. این میزان رشد، بالاترین رکورد صادراتی در تاریخ فعالیت شرکت به‌شمار می‌رود و نشان‌دهنده تقویت جایگاه صبانور در بازارهای بین‌المللی است. این رشد صادراتی در حالی رخ داده است که بازارهای جهانی همچنان با چالش‌هایی مانند نوسانات قیمت فولاد و تقاضای جهانی مواجه هستند. افزایش توان رقابتی محصولات صبانور در بازارهای خارجی و انعطاف‌پذیری بالا در شرایط بازار جهانی، نقش اساسی در تحقق این رکورد ایفا کرده است.

■ افزایش ۴۳ درصدی فروش ریالی و رشد ۹۶ درصدی در مهرماه

یکی از نکات برجسته در عملکرد مالی صبانور، افزایش چشمگیر ۴۳ درصدی در مجموع فروش ریالی این شرکت در هفت ماهه نخست سال ۱۴۰۴ نسبت به دوره مشابه سال گذشته است. این میزان رشد در شرایط تورم بالا و افزایش هزینه‌های تولید، نشان‌دهنده توانمندی بالای این شرکت در بازاریابی و مدیریت فروش است. به‌ویژه، در مهرماه ۱۴۰۴، فروش ریالی شرکت نسبت به مهرماه سال گذشته ۹۶ درصد افزایش یافته که این نشان‌دهنده تداوم تقاضا برای محصولات این شرکت و مدیریت مؤثر آن در بازاریابی و فروش است.

■ روند افزایشی تقاضا و تأثیر تحولات بازار بر عملکرد شرکت

در همین راستا، مدیران صبانور اذعان داشته‌اند که با وجود چالش‌های مختلف موجود در بازار داخلی و خارجی، شرکت توانسته است با مدیریت هوشمندانه منابع و شفاف‌سازی در سیاست‌های تجاری، از نوسانات بازار بهره‌برداری کند. با توجه به پیش‌بینی‌ها

توجیه پذیری در سرمایه گذاری بامس ۱۵ هزار دلاری



ادامه یابد، جهان تا سال ۲۰۴۳ باید معادل تمام مس استخراج شده در تاریخ (حدود ۷۰۰ میلیون تن) را مجدداً تولید کند تا رشد ۳.۵ درصدی سالانه تولید ناخالص داخلی حفظ شود. این شکاف میان رشد تقاضا و محدودیت عرضه، به گفته فریدلند، رویدادی «هویتی» برای اقتصاد جهان خواهد بود. اهمیت مس فراتر از مقیاس اقتصادی است و بُعد امنیت ملی نیز یافته؛ به طور مثال، کمبود این فلز یکی از نگرانی‌های اصلی ارتش آمریکا در مورد تولید گلوله‌های ۱۵۵ میلی‌متری عنوان شده است.

این نگرانی‌ها موجب شده تقاضا برای احیای صنعت معدنکاری مس آمریکا افزایش یابد؛ صنعتی که طی نسل‌های اخیر توسعه چندانی نیافته و وابستگی به منابع خارجی می‌تواند ثبات عرضه و امنیت ملی را تهدید کند.

به گفته فریدلند، دولت‌های اخیر آمریکا به ویژه در دوره ریاست جمهوری فعلی - به ضرورت تأمین مواد اولیه در داخل کشور پی برده‌اند. او تأکید کرد: «اکنون حمایت دولتی از بخش معدن بسیار پررنگ‌تر شده و تمرکز بر تأمین پایدار مواد اولیه متناسب با مقیاس اقتصاد آمریکا به اولویت سیاست‌گذاران تبدیل شده

است.»

با ادامه رشد قیمت مس و نزدیک شدن به پیش‌بینی‌های بلندمدت فریدلند، توجه سرمایه‌گذاران و سیاست‌گذاران جهانی به وضعیت تأمین این فلز راهبردی جلب شده و او شرایط بازار را «مانند انبار باروتی آماده انفجار» توصیف کرده است. فریدلند معتقد است: «تقاضای مس عملاً بی‌نهایت است، چراکه برای کالایی که به آن نیاز مطلق وجود دارد، قیمت منطقی معنادار ندارد.»

رأبرت فریدلند، سرمایه‌گذار برجسته حوزه معدن، هشدار داده است که اقتصاد جهانی در آستانه بحرانی بی‌سابقه ناشی از کمبود مس قرار دارد. بنابر پیش‌بینی او، تقاضای جهانی برای مس طی دودهمه آینده به سطحی خواهد رسید که می‌تواند فراتر از عرضه موجود باشد؛ موضوعی که به گفته فریدلند، «چالشی بی‌مانند در تاریخ اقتصاد جهانی» خواهد بود.

وی تأکید می‌کند: «طی ۱۸ سال آینده، بشريت به همان میزان مس نیاز خواهد داشت که طی ده هزار سال اخیر استخراج کرده؛ تنها برای حفظ رشد نسبی اقتصادی.» او این هشدارها را در سال‌های گذشته بارها

مطرح کرده و معتقد است کمبود فعلی حاصل دودهمه کاهش سرمایه‌گذاری در اکتشاف و تولید فلزات مورد نیاز برای تحول انرژی جهانی است.

مس، به گفته فریدلند، در قلب رشد اقتصادی و امنیت ملی کشورها قرار دارد و در همه صنایع از شبکه‌های برق تا تجهیزات نظامی کاربرد حیاتی دارد. براساس داده‌های اکتبر ۲۰۲۵، قیمت مس با رشد ۵۵ درصدی در پنج سال گذشته، به (حدود ۱۱,۱۳۰ دلار به ازای هر تن) رسیده است.

با وجود این رشد چشمگیر، فریدلند معتقد است قیمت فعلی برای ایجاد انگیزه و سرمایه‌گذاری در توسعه معادن جدید کافی نیست و این رقم باید به حدود

۱۵ هزار دلار به ازای هر تن افزایش یابد. او

می‌گوید: «۹ هزار دلار برای هر تن،

ریسک سرمایه‌گذاری را

توجیه نمی‌کند.» اگر

نرخ مصرف مس

به وضعیت فعلی





طلا همه را غافلگیر می کند؟

اتفاقی بی سابقه نخواهد بود. تجربه تاریخی همچنین نشان می دهد پس از پایان رالی ها، قیمت طلا معمولاً وارد دوره ای بلندمدت از نوسان افقی می شود. اکنون برآوردها درباره مسیر آینده طلا به شدت متفاوت است. برخی تحلیل گران انتظار دارند قیمت ها تا محدوده ۳,۰۰۰ دلار در هر اونس کاهش یابد، در حالی که گروهی دیگر پیش بینی می کنند طی یک تا دو سال آینده به بالای ۵,۰۰۰ دلار برسد. اختلاف دیدگاه ها بیشتر حول این پرسش است که آیا محرک های فعلی رشد طلا، ساختاری و پایدارند یا صرفاً موقتی.

دیدگاه خوش بینانه بر این باور است که سرمایه گذاران و بانک های مرکزی جهان در حال جست و جوی جایگزین هایی برای دارایی های دلاری آمریکا از جمله اوراق خزانه و سهام وال استریت هستند و طلا گزینه ای امن و قابل اتکا محسوب می شود.

گزارش سه ماهه اخیر شورای جهانی طلا (World Gold Council) نیز این دیدگاه را تأیید می کند: خرید خالص بانک های مرکزی در سه ماهه سوم سال به ۲۲۰ تن رسید که ۲۸ درصد بیشتر از فصل قبل است. از سال ۲۰۲۲ تاکنون، خرید سالانه بانک های مرکزی بیش از ۱,۰۰۰ تن بوده و سال ۲۰۲۵ هم در مسیر تکرار این روند برای چهارمین سال متوالی قرار دارد.

با وجود روند مثبت در خریدهای سرمایه گذاری و ذخیره سازی، کارشناسان هشدار می دهند احتمال اصلاح بازارهای سهام جهانی و نیاز سرمایه گذاران به نقد کردن بخشی از دارایی های طلا، می تواند ریسک موقتی برای قیمت ها ایجاد کند.

با این حال، ادامه کسری های مالی آمریکا و نگرانی از تضعیف استقلال فدرال رزرو در پی تمایل ترامپ به اعمال کنترل بر سیاست پولی، عواملی هستند که به گفته تحلیل گران، طلا را همچنان در مرکز توجه بازارهای جهانی نگه خواهند داشت.

طلا پس از رسیدن به رکورد تاریخی، در هفته های اخیر اندکی عقب نشینی کرده و این پرسش را مطرح ساخته که آیا درخشش فلز زرد به پایان رسیده و دوره ای از رکود و نوسان های افقی در راه است - وضعیتی که پیش تر نیز در تاریخ بازار طلا مشاهده شده است.

بررسی روندهای ۵۰ سال گذشته نشان می دهد هرگاه قیمت طلا جهش قابل توجهی داشته، پس از آن معمولاً دوره ای طولانی از افت یا ثبات نسبی را تجربه کرده است. با این حال، تحلیل ها نشان می دهد رالی فعلی تنها سومین جهش بزرگ طلا از نظر درصد رشد طی نیم قرن اخیر است و از جهش های چشمگیر اواخر دهه ۱۹۷۰ و دوره بلندمدت ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۱ فاصله زیادی دارد.

روند صعودی کنونی از اکتبر ۲۰۲۲ آغاز شد، زمانی که قیمت هر اونس طلا در سطح ۱۹۱۷ دلار قرار داشت. این رشد ابتدا با شیب ملایم پیش رفت، اما از نوامبر ۲۰۲۴ و هم زمان با انتخاب مجدد دونالد ترامپ به ریاست جمهوری آمریکا، شتاب گرفت و در ۲۰ اکتبر ۲۰۲۵ به رکورد تاریخی ۴,۳۸۱ دلار رسید؛ یعنی افزایشی ۱۷۰ درصدی نسبت به دو سال قبل.

هرچند افزایش سه ساله اخیر چشمگیر است، اما در مقایسه با جهش ۵۱۸ درصدی بین جولای ۱۹۷۶ تا فوریه ۱۹۸۰ و ۶۴۳ درصدی بین فوریه ۲۰۰۱ تا سپتامبر ۲۰۱۱، بسیار محدودتر به نظر می رسد.

در هر دو دوره تاریخی پس از رسیدن به اوج، قیمت ها کاهش یافتند اما افت ها هرگز نتوانست رشدهای پیشین را به طور کامل از بین ببرد. طلا از اوج ۶۹۳ دلار در فوریه ۱۹۸۰ حدود ۶۳ درصد ریخت و تا ۲۵۶ دلار در فوریه ۲۰۰۱ پایین آمد؛ همچنین از اوج ۱,۹۰۲ دلار در سپتامبر ۲۰۱۱ تا کف ۱,۰۵۲ دلار در نوامبر ۲۰۱۵ حدود ۴۴ درصد افت داشت.

در نتیجه، از منظر تاریخی، افزایش فعلی هرچند به ظاهر سنگین است، اما نسبت به رخدادهای گذشته چندان بزرگ تلقی نمی شود و اگر ادامه یابد،

احد علیخانی مشاور امور معادن شرکت ملی صنایع مس ایران شرکت های معدنی را حیات خلوت سیاسیون نکند

داشته باشند تا عملکرد آنان در مجامع به صورت شفاف بررسی شود. تغییرات مکرر بدون پاسخگویی و بدون ارزیابی، آسیب جدی به صنایع معدنی وارد کرده است.»

او خام فروشی و فقدان زنجیره های پایین دستی را از چالش های جدی این حوزه دانست و افزود: «افزایش نرخ ارز و قیمت جهانی فلزات، سودهای غیر واقعی در شرکت ها ایجاد کرده است؛ به گونه ای که تسعیر نرخ ارز در صورت های مالی به عنوان سود شناسایی می شود امروز یکی از مهم ترین چالش ها، تأمین مالی برای توسعه است، اما بخش قابل توجهی از منابع نقدی کشور به سمت بازارهای غیرمولد از جمله رمزارزها حرکت می کند.»

علیخانی ورود شرکت های معدنی به فعالیت های غیر تخصصی را «مسئله ای نگران کننده» دانست و گفت: «تخصص شرکت های معدنی، اکتشاف، استخراج و فرآوری مواد معدنی است؛ نه ساخت نیروگاه، لاستیک سازی یا تولید دامپتراک.» وی در پایان تأکید کرد: «شرکت های بزرگ معدنی دنیا هرگز وارد حوزه های غیر مرتبط نمی شوند. ما باید از تجربه جهانی بیاموزیم و اجازه دهیم دستگاه های مسئول، امور مربوط به انرژی، زیرساخت و صنایع جانبی را بر عهده گیرند؛ نه اینکه شرکت های معدنی را از مسیر تخصصی خود منحرف کنیم.»



احد علیخانی، مشاور امور معادن شرکت ملی صنایع مس ایران، در گفت و گو با معدن ۲۴ با انتقاد جدی از تغییرات پی در پی مدیران و ورود شرکت های معدنی به فعالیت های غیر تخصصی گفت: «شرکت های معدنی نباید به حیات خلوت سیاسیون تبدیل شوند؛ این رویکرد توسعه متوازن و پایدار بخش معدن را مختل می کند.» وی با اشاره به عبور ارزش صادرات معدنی کشور از ۷ میلیارد دلار در نیمه نخست سال افزود: «علی رغم چالش هایی نظیر تحریم های ظالمانه، قطعی برق و ناترازی انرژی، شرکت های صنعتی و معدنی حدود ۲۴ درصد رشد تناژ و ۱۰ درصد رشد ارزشی در صادرات داشته اند.»

علیخانی، دخالت سیاسیون در صنعت و معدن را یکی از موانع اصلی توسعه پایدار دانست و اظهار کرد: «در برخی استان ها بدون توجه به زیرساخت های آب، برق، گاز و حتی ذخایر معدنی، کارخانه های فولادسازی احداث شده که نه تنها هزینه تولید را افزایش و راندمان را کاهش داده، بلکه اکوسیستم محلی را نیز دچار اختلال کرده است.» وی تأکید کرد: «ن باید فریب رشد ارزش دلاری صادرات را خورد؛ آنچه اهمیت دارد، تکیه بر صادرات محصولات نهایی است، نه خام فروشی.» مشاور امور معادن شرکت ملی مس ایران با اشاره به ضرورت تکیه بر نیروهای نخبه و متخصص در تصمیم سازی های معدنی ادامه داد: «مدیران متخصص و متعهد شرکت های بزرگ باید حداقل دو سال فرصت مدیریت



غول جدید سنگ آهن جهان وارد مدار تولید شد

طبق اعلام سخنگوی ریوتینتو نخستین محموله صادراتی از معدن سیمان‌دو برای اواسط نوامبر برنامه‌ریزی شده است. وی افزود در پایان سه‌ماهه سوم سال، حدود ۱.۵ میلیون تُن سنگ آهن دپو شده در واحد معدنی سیم‌فر آماده ارسال بوده است.

صادرات سنگ آهن از سیمان‌دو به‌صورت تدریجی تا پایان سال ۲۰۲۵ افزایش خواهد یافت و تا سال ۲۰۲۶ به حدود ۱۵ میلیون تُن در سال می‌رسد. ظرفیت اسمی این معدن در افق سال ۲۰۳۰ حدود ۲۰ میلیون تُن در سال برآورد می‌شود.

افتتاح این معدن در شرایطی انجام می‌شود که بازار جهانی سنگ آهن با تمرکز شدید عرضه از سوی استرالیا و برزیل مواجه است؛ دو کشوری که حدود ۸۰ درصد از تجارت سنگ آهن را در اختیار دارند. ورود گینه به عرصه صادرات می‌تواند تنوع عرضه جهانی را افزایش دهد و برای تولیدکنندگان فولاد - به‌ویژه در چین - منبع جدید و مطمئن‌تری فراهم سازد. چین همچنان بزرگ‌ترین تولیدکننده فولاد و مصرف‌کننده سنگ آهن جهان است که سالانه بیش از یک میلیارد تُن سنگ آهن وارد می‌کند.

پروژه ۲۰ میلیارد دلاری سیمان‌دو، سرانجام پس از ربع قرن انتظار، وارد مرحله تولید شد و انتظار می‌رود گینه با این دستاورد تاریخی، به سومین قطب عرضه‌کننده عمده سنگ آهن دنیا، در کنار استرالیا و برزیل، تبدیل شود؛ گامی راهبردی در بازتوزیع توازن بازار جهانی سنگ آهن و افزایش امنیت تأمین برای صنایع فولاد جهان.

دولت گینه رسماً از آغاز تولید در معدن سنگ آهن سیمان‌دو بزرگ‌ترین ذخیره دست‌نخورده سنگ آهن پرعیار جهان، خبر داد.

معدن سیمان‌دو در انتهای جنوبی رشته‌کوهی به طول ۱۱۰ کیلومتر واقع شده و حدود ۵۵۰ کیلومتر جنوب‌شرقی کوناکری، پایتخت گینه قرار دارد. این پروژه که ارزش سرمایه‌گذاری آن حدود ۲۰ میلیارد دلار برآورد شده، شامل احداث راه‌آهنی به طول بیش از ۶۵۰ کیلومتر و یک بندر جدید است. بر اساس اطلاعات رسمی، دولت گینه در تمام اجزای پروژه - از معدن و زیرساخت تا واحدهای فولادسازی آینده - ۱۵ درصد سهام در اختیار دارد. برنامه اولیه برای راه‌اندازی معدن سیمان‌دو به سال ۱۹۹۷ بازمی‌گردد، اما این پروژه بارها به‌دلیل اختلافات فنی و سیاسی متوقف شده بود. در سال ۲۰۲۲ نیز دولت نظامی گینه دستور توقف موقت توسعه را صادر کرد تا نحوه صیانت از منافع ملی مورد بازبینی قرار گیرد. اکنون، با رفع موانع و توافق نهایی میان سرمایه‌گذاران، عملیات استخراج و حمل سنگ آهن رسماً آغاز شده است.

پروژه سیمان‌دو شامل چهار بلوک معدنی است که توسعه آن میان دو کنسرسیوم تقسیم شده است:

- بلوک‌های ۱ و ۲ با همکاری شرکت‌های داخلی گینه و گروه فولاد چین بائوو (China Baowu Steel Group)،
- بلوک‌های ۳ و ۴ توسط شرکت ریوتینتو (Rio Tinto) و شرکت آلومینیوم چین (Chalco) به‌صورت مشترک در حال توسعه است.



اینفوگرافیک؛ جانجا، بزرگ‌ترین طرح معدنی و صنعتی سیستان و بلوچستان

پروژه مس جانجا در شمال استان سیستان و بلوچستان، به عنوان بزرگ‌ترین طرح معدنی و صنعتی این استان در دست اجراست و حتی پیش از بهره‌برداری کامل، تحولات چشمگیری را در منطقه رقم زده است. این طرح عظیم ملی با راهبری شرکت سرمایه‌گذاری توسعه معادن و فلزات و با مشارکت بزرگ‌ترین شرکت‌های معدنی و صنعتی کشور در حال پیشرفت است. اجرای پروژه تاکنون به ایجاد فرصت‌های شغلی گسترده، رونق اقتصادی و بازگشت جمعیت به روستاهای اطراف معدن انجامیده است. با توجه به رشد روزافزون تقاضای جهانی برای فلز مس، بهره‌برداری از این طرح می‌تواند از آثاری قابل توجهی برای استان به همراه داشته و روند صنعتی‌شدن منطقه را تسریع کند.

پروژه جانجا؛ بزرگ‌ترین طرح معدنی و صنعتی سیستان و بلوچستان

تغلیظ

هدف گذاری: تولید سالانه ۱۳۰ هزار تن کنسانتره مس
کارخانه تغلیظ در حال احداث
سالن اصلی در حال احداث و نصب سازه‌ها
انبار مواد و انبار قطعات یدکی در حال ساخت
تعمیرگاه اصلی در حال ساخت
تونل و استوک پایل در حال بتن‌ریزی، قالب‌بندی و آرماتوربندی
تجهیزات اصلی: با سازندگان خارجی قرارداد بسته شده
تامین مالی بخش ارزی در مراحل نهایی گشایش اعتبار اسنادی مؤخر

۳۰ درصد پیشرفت تجمیعی

معدن

۱۲۵ هزار متر عملیات حفاری اکتشافی
بیش از ۲۰ میلیون تن باطله‌برداری
برداشت ۸۰۰ هزار تن خاک اکسیدی
عملیات حفاری مستمر
چالش‌های اصلی: کمبود سوخت ماشین‌آلات
و کمبود مواد ناریه

هیپ لیچینگ

بزرگ‌ترین هیپ کشور در حال ساخت
مساحت هیپ: ۶۰۰ هزار مترمربع
حمل و اجرای خاک‌ریزی با تراکم ۸۰ درصد
به حجم ۲ میلیون و ۱۰۰ هزار مترمکعب
انجام بخش عظیمی از عملیات خاکی

تامین برق

اخذ مجوز دیماند ۹۰ مگاوات از برق منطقه‌ای
عملیات اجرایی کلیدخانه ۴۰۰ کیلوولت در حال اجرا
پست اختصاصی ۴۰۰/۳۳ کیلوولت در حال اجرا
تجهیزات سیستم حفاظت و رله‌ها در حال ساخت

تامین آب

اخذ مجوز تخصیص ۵ میلیون مترمکعب پساب در سال
مطالعات مهندسی خط انتقال و تصفیه‌خانه در حال نهایی شدن
چالش اصلی: رفع معارضات خط انتقال پساب زابل و تملک زمین



مهاجرت معکوس
به روستاهای اطراف معدن
کمک به رونق اقتصادی
و صنعتی‌شدن منطقه



اشتغال‌زایی فعلی: ۸۰۰ نفر
اشتغال‌زایی مستقیم پس از بهره‌برداری: ۱۰۰۰ نفر
اشتغال‌زایی غیرمستقیم: ۵ هزار نفر



سرمایه‌گذاری
۴۵۰ میلیون یورویی

پرواز عمان بر فراز فولاد منطقه

تحلیل جدید مؤسسه اقتصاد انرژی و تحلیل‌های مالی (IEEFA) نشان می‌دهد که عمان در مسیر تبدیل شدن به یکی از مهم‌ترین قطب‌های جهانی تولید فولاد کم‌کربن قرار گرفته است؛ جایگاهی که با اتکا بر ظرفیت عظیم انرژی‌های تجدیدپذیر و زیرساخت صنعتی یکپارچه این کشور تقویت می‌شود.

در گزارش این مؤسسه تأکید شده که عمان یکی از معدود کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا است که به‌طور کامل از مرحله کنسانتره سنگ آهن تا تولید فولاد در کوره‌های قوس الکتریکی را در داخل کشور در اختیار دارد؛ مزیتی که این کشور را برای پیشتازی در مسیر کاهش کربن صنعت فولاد در جایگاهی ممتاز قرار می‌دهد.

به گفته تحلیلگر مالی انرژی وجود این زنجیره صنعتی یکپارچه، پایه‌ای قدرتمند برای گذار عمان به سمت تولید آهن و فولاد کم‌انتشار و در نهایت فولاد سبز ایجاد کرده است.

عمان ظرفیت گسترده‌ای در تولید آهن اسفنجی (DRI) دارد؛ فرایندی که اکنون با گاز طبیعی انجام می‌شود، اما قابلیت بالایی برای جایگزینی خوراک هیدروژن سبز دارد.

این کشور هدف‌گذاری کرده تا سال ۲۰۳۰ بین ۱ تا ۱.۵ میلیون تن هیدروژن سبز تولید کند؛ اقدامی که می‌تواند پایه تأمین داخلی فولاد سبز را تقویت کرده و امکان ورود به بازارهای پرمیوم با تقاضای بالا برای محصولات کم‌کربن

را فراهم سازد.

بازار آهن و فولاد عمان که سال‌ها تحت سلطه چین‌دال و واله بود، اکنون با ورود سرمایه‌گذاران جدید دستخوش تغییر شده است.

شرکت‌هایی مانند Meranti Green Steel، میتسوبی و کوبه استیل، و Jinnan Steel پروژه‌های تازه‌ای را در دست اجرا دارند که می‌تواند معادلات این بازار را متحول کند.

بر اساس طرح‌های در دست اجرا، به ظرفیت تولید عمان افزوده خواهد شد:

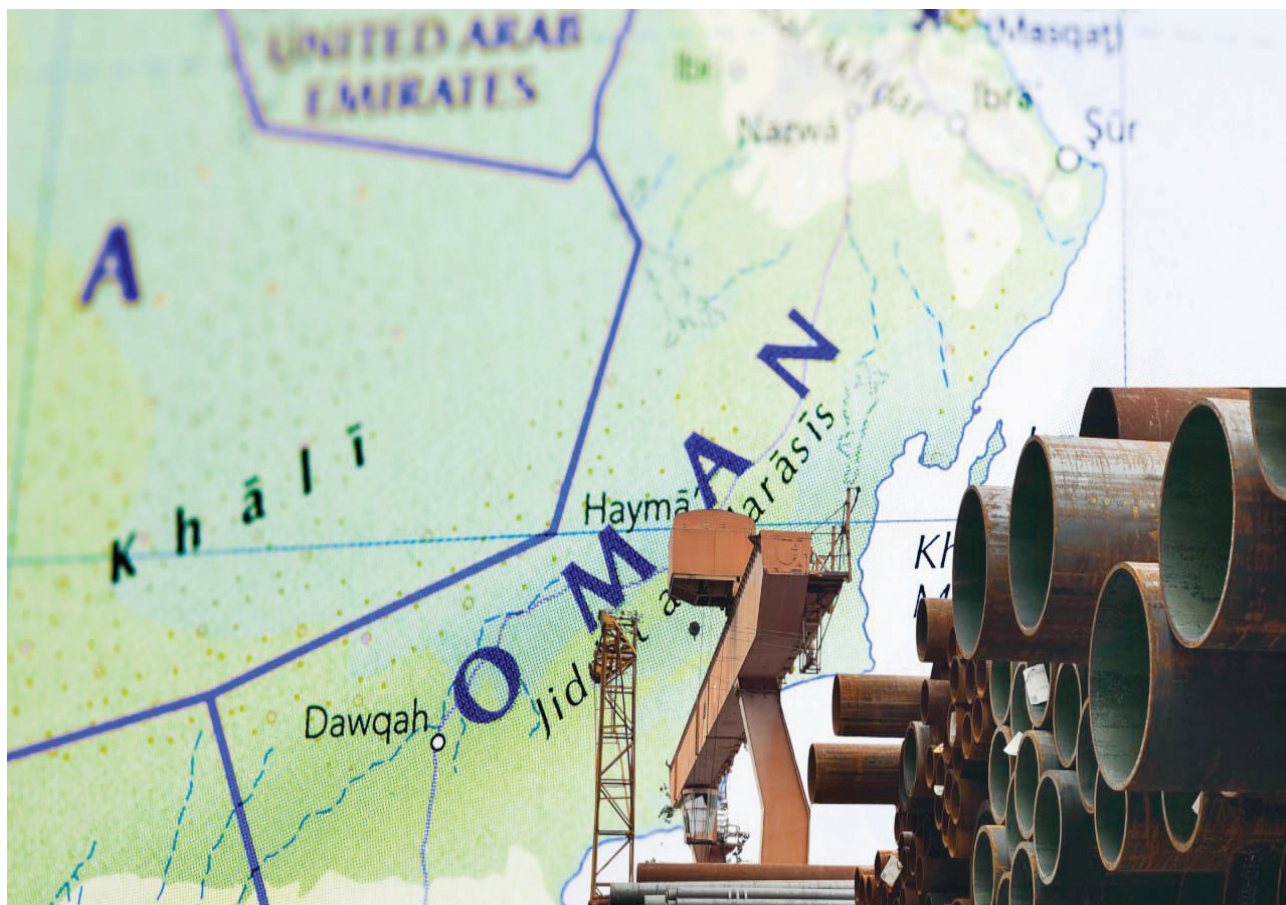
• ۱۲.۶ میلیون تن در سال کنسانتره

• ۶ میلیون تن در سال گندله

• ۱۲.۵ میلیون تن در سال بریکت گرم

مؤسسه اقتصاد انرژی و تحلیل‌های مالی پیش‌بینی می‌کند چندین پروژه بزرگ تولید آهن کم‌انتشار تا ۲۰۲۶ به مرحله تصمیم‌گیری نهایی سرمایه‌گذاری برسند و ادغام هیدروژن سبز در این پروژه‌ها، عمان را در مسیر دستیابی به کربن صفر تا سال ۲۰۵۰ قرار دهد.

گزارش IEEFA تصویری روشن از آینده صنعت فولاد عمان ارائه می‌دهد: کشوری با مزیت انرژی پاک، زیرساخت صنعتی کامل و موج جدید سرمایه‌گذاری خارجی که می‌تواند طی یک دهه آینده، عمان را به یکی از قطب‌های اصلی تولید فولاد سبز در جهان تبدیل کند و جایگاه آن را در زنجیره ارزش جهانی فولاد به‌طور چشمگیری ارتقا دهد.



سیامک اخطاری، مشاور و کوچ توسعه صادرات سنگهای ساختمانی ایران-آلمان ایده ایجاد سوپرمارکت سنگ ایران در دنیا

صنعت سنگ ساختمانی ایران، از کهن ترین و هویت ساز ترین صنایع این سرزمین است؛ صنعتی که ریشه های آن در تمدن های باستانی و بناهای ماندگاری چون تخت جمشید، پاسارگاد و معماری فاخر ایرانی نهفته است. سنگ در فرهنگ ایران، تنها یک ماده معدنی نیست، بلکه بیانگر اصالت، دوام و هنر ایرانی است. امروز این میراث می تواند بنیان شکل گیری برند ملی سنگ ایران در بازارهای جهانی باشد.

با وجود تنوع چشمگیر معادن و ظرفیت بالای تولید، صادرات سنگ ایران همچنان سهمی کمتر از ظرفیت واقعی خود دارد. یکی از مهم ترین چالش ها در این مسیر، تداوم خام فروشی و سنگ های استخراجی است؛ موضوعی که در بلند مدت موجب از دست رفتن ارزش افزوده، اشتغال تخصصی و جایگاه رقابتی ایران در بازارهای جهانی می شود.



سیستم پروژه محور در صادرات سنگ ساختمانی نیز می تواند نقش مهمی در نفوذ هوشمندانه ایران در بازارهای جهانی ایفا کند. با تمرکز بر مشارکت در پروژه های بزرگ عمرانی، تجاری و لوکس بین المللی، سنگ ایرانی می تواند به عنوان بخشی از هویت معماری جهانی شناخته شود؛ نه فقط کالایی در فهرست صادراتی.

با وجود تنوع چشمگیر معادن و ظرفیت بالای تولید، صادرات سنگ ایران همچنان سهمی کمتر از ظرفیت واقعی خود دارد. یکی از مهم ترین چالش ها در این مسیر، تداوم خام فروشی و سنگ های استخراجی است؛ موضوعی که در بلند مدت موجب از دست رفتن ارزش افزوده، اشتغال تخصصی و جایگاه رقابتی ایران در بازارهای جهانی می شود.

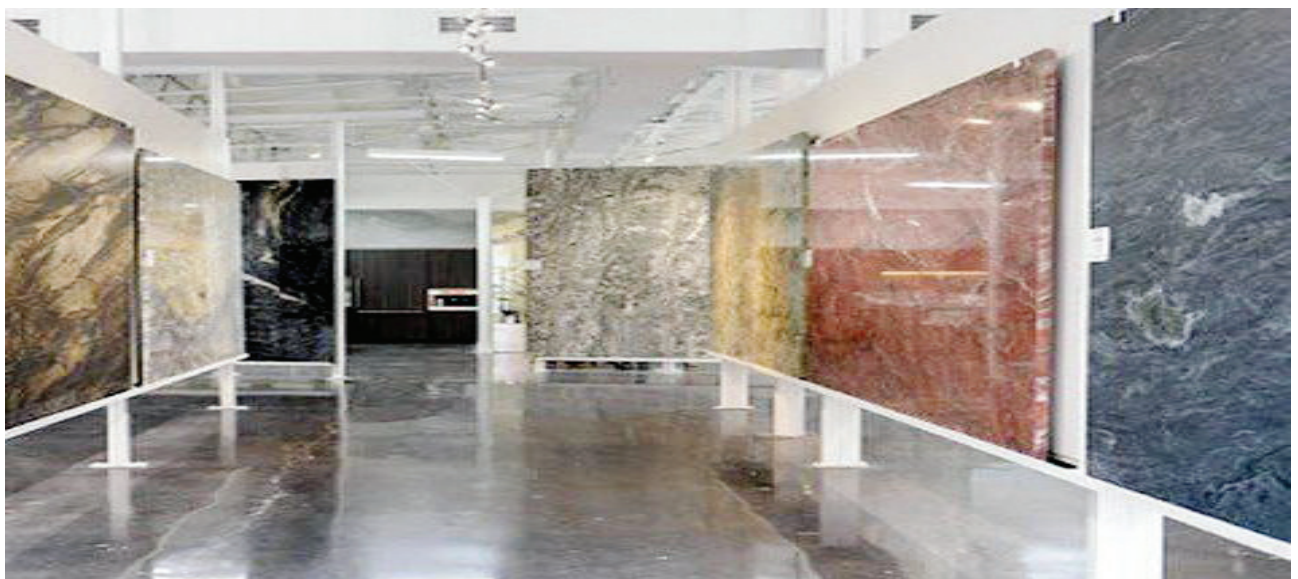
در کنار توسعه فنی و اقتصادی، برندسازی اصیل ایرانی باید محور تحول در این صنعت باشد. برند سنگ ایران با نامهایی از این دیار معنایی می تواند با تکیه بر تاریخ، هنر و فرهنگ کهن این سرزمین، جایگاهی متمایز در ذهن مخاطبان جهانی پیدا کند. این همان «نشان خردورانه برندینگ» است که بر پایه اصالت، زیبایی شناسی شرقی و اعتمادپذیری ایرانی شکل می گیرد.

گام نخست در ارتقای جایگاه صادراتی، تغییر رویکرد از صادرات مواد خام به صادرات محصولات فرآوری شده و دارای ارزش افزوده بالا است. ارتقای فناوری فرآوری، به روزرسانی ماشین آلات برش و پرداخت، استفاده از طراحی صنعتی و بسته بندی حرفه ای، می تواند کیفیت و جذابیت سنگ ایرانی را در سطح جهانی ارتقا دهد. در واقع، هر متر مربع سنگ فرآوری شده، نماد دانش فنی، سلیقه هنری و توان صنعتی کشور است.

برای دستیابی به این چشم انداز، باید اعتماد به نفس ملی صنعتی و معدنی تقویت شود. ایران نه تنها تولیدکننده سنگ است، بلکه می تواند به مرجع کیفیت، طراحی و نوآوری در صنعت جهانی سنگ تبدیل گردد. امروز جای «سوپرمارکت سنگ ساختمانی ایران» در پنج قاره جهان خالی است؛ فرصتی که با رویکرد ارزش محور و صادرات فرآوری شده می توان آن را پر کرد. در پایان، امید است با تمرکز بر ارزش افزوده، کاهش روند خام فروشی، تجمیع توان فعالان این صنعت و حضور هدفمند در بازارهای جهانی، شاهد شکوفایی صادرات سنگ ایران و ارتقای جایگاه بین المللی کشورمان در عرصه جهانی سنگ باشیم؛ جایگاهی در شأن تاریخ، هنر و توان صنعتی ملت بزرگ ایران.

برای تحقق این هدف، ضروری است که حلقه های زنجیره ارزش - از استخراج تا فرآوری، بازاریابی و فروش بین المللی - به صورت منسجم و هم افزا عمل کنند. تشکیل مشارکت همکاری یا جوینت ونچر صادراتی، ایجاد شهرک های تخصصی فرآوری، و حضور مشترک در نمایشگاه ها و بازارهای هدف، مسیر عبور از فعالیت های جزیره ای به سمت توسعه صادرات ساختارمند را هموار می کند.

در این میان، حضور فیزیکی در بازارهای هدف یکی از الزامات موفقیت در



ایمان‌رئیی‌کارشناس و تحلیل‌گر بازار سرمایه بورس از خواب جنگ بیدار شد

با این حال، برخلاف دوره‌های پیشین، این بار بازارگردان‌ها با برنامه و انضباط وارد عمل شدند. هر زمان بازار به سمت فروش سنگین حرکت می‌کرد، با تقاضای سازمان‌یافته و حمایتی مانع از ریزش شدند و بسیاری از فروشندگان را در نهایت مجبور کردند در قیمت‌های بالاتر مجدداً به بازار بازگردند.

نرخ ارز نیمایی در ماه‌های اخیر هرچند می‌توانست محرکی قدرتمند برای صنایع صادرات‌محور باشد، اما حرکت کند و لاک‌پشتی آن انتظارات بازار را برآورده نکرد. در مقابل، شرکت‌هایی که محصولات خود را در بورس کالا به صورت رقابتی عرضه می‌کنند، نسبت به سال گذشته افزایش نرخ حدود ۵۰ درصدی را ثبت کرده‌اند. این رشد قیمت‌ها نوید آن را می‌دهد که گزارش‌های مالی آتی شرکت‌ها حاکی از بهبود سودآوری باشد.

عامل مهم دیگر برای ارزیابی وضعیت آتی گروه‌های فلزی و معدنی، قیمت‌های جهانی است. در حالی که تنش‌های ژئوپولیتیک و تحولات اقتصادی جهان پیش‌بینی دقیق را دشوار کرده، عملکرد این بازارها از ابتدای سال میلادی تاکنون مثبت بوده است. کارشناسان معتقدند در صورت تداوم این روند، امید به رشد پایدار صنایع فلزی و معدنی در بازار ایران وجود دارد.

بازار سرمایه ایران پس از شوک‌های سیاسی و اقتصادی اخیر، با نقشه حمایتی صندوق توسعه و حضور هدفمند بازارگردان‌ها توانسته بخشی از اعتماد از دست‌رفته را بازیابد. با وجود استمرار ریسک‌های بیرونی و نوسانات نرخ ارز، عملکرد مطلوب بورس کالا و رشد قیمت‌های جهانی فلزات نشانه‌هایی از بهبود تدریجی فضای سرمایه‌گذاری در نیمه دوم سال جاری را تقویت کرده است.



در حالی که ابتدای سال جاری با نگرانی گسترده سرمایه‌گذاران نسبت به آینده شرکت‌های انرژی برآغاز شد، عبور شاخص کل بورس از سقف‌های قبلی با اصلاح شدید قیمت‌ها و ورود بازار به دوره‌ای از استراحت همراه شد. این دوره همزمان با جنگ ۱۲ روزه، بار دیگر نشان داد در وضعیت سیاسی و اقتصادی فعلی، هیچ قطعیتی در بازار وجود ندارد و فعالان بازار سرمایه ناگزیرند خود را برای سناریوهای متعدد آماده کنند.

در آن مقطع، سرمایه‌گذاران در تلاش بودند هزینه انرژی صنایع و نرخ‌های جدید خوراک را در تحلیل‌های خود لحاظ کنند که ناگهان با تعطیلی موقت بورس غافلگیر شدند. پس از بازگشایی، موج شدید ریزش قیمت‌ها آغاز شد و عملاً تفاوتی نداشت سرمایه‌گذاران در چه نمادی حضور دارند؛ اما تفاوت اصلی در سرعت بازگشت بازار و میزان نقدشوندگی نمادها آشکار شد. با گذشت زمان، صندوق توسعه بازار این بار با برنامه‌ای هدفمند وارد عمل شد تا از ریزش بیشتر شاخص‌ها جلوگیری کند. طراحی محدوده‌های حمایتی برای سهام شاخص‌ساز باعث شد فضای روانی بازار آرام‌تر شود و اعتماد تدریجی بازگردد. گروه‌های فلزی و معدنی نیز از این روند مستثنی نبودند و توانستند دوباره تا محدوده سقف‌های ابتدای سال رشد کنند.

سؤال مهم اینجاست که چه تعداد از سرمایه‌گذاران که در آغاز روند دچار زیان شدند، توانستند از این رشد جانمانند و در سطوح پایین‌تر خریدهای خود را تکمیل کنند؟

حرکت اخیر بازار در شرایطی شکل گرفته که همچنان ریسک‌های ژئوپولیتیک، بوده‌ای و ارزی پابرجاست و تغییرات ناگهانی در متغیرهای کلان موجب رفتارهای واکنشی در تابلو معاملات می‌شود.



منصور قربانی رئیس انجمن زمین شناسی

معدن می تواند ناجی اقتصاد ایران باشد

گذشته های دور نقش اقتصادی مهمی در ایران داشته و امروز نیز می تواند در شرایط سخت اقتصادی ناجی کشور باشد. با این حال مدیران شناخت زیربنایی از اهمیت زمین شناسی و نقش آن در حفظ ثروت های ملی ندارند. او بحران آب و محیط زیست را یکی از چالش های جدی کشور عنوان کرد و گفت: در چهل سال اخیر هیچ توجهی به مدیریت منابع زمین و آب نشده است. بیش از ۲۰۰ میلیارد متر مکعب از ذخایر آب زیرزمینی کشور برداشت شده و این تعادل طبیعی را برهم زده است. پیامد آن خشک شدن دریاچه ها و فرونشست زمین است که جایگزینی فوری ندارد.

قربانی راهکار برون رفت از این وضعیت را تکیه بر نظر کارشناسان دانست و تأکید کرد: سیاستمداران باید گوش به فرمان متخصصان باشند. اگر مدیری بیایید و صادقانه اعلام کند که به کارشناسان باتجربه اعتماد دارد، می توان امیدوار بود که اصلاحات جدی در مدیریت منابع طبیعی و بخش معدن صورت گیرد.



منصور قربانی، رئیس انجمن زمین شناسی ایران، با انتقاد از نبود تعامل میان دستگاه های اجرایی و انجمن های علمی، تأکید کرد که بخش معدن و علوم زمین ظرفیت نجات اقتصاد کشور را دارند اما نیازمند مدیریت علمی و توجه جدی سیاستمداران به نظر کارشناسان هستند.

منصور قربانی، رئیس انجمن زمین شناسی ایران، در گفت و گو با معدن ۲۴ اظهار داشت: انجمن زمین شناسی به عنوان پل ارتباطی میان دانشگاه و دستگاه های اجرایی تعریف شده، اما در عمل هیچ گاه نظرخواهی جدی از انجمن ها صورت نگرفته و تعامل مؤثری وجود ندارد. این ضعف هم از سوی انجمن ها و هم از سوی دستگاه های اجرایی دیده می شود. وی با اشاره به تجربه حضور انجمن در تدوین برنامه هفتم توسعه گفت: مطالبی در حوزه زمین شناسی برای برنامه هفتم ارسال کردم و حتی در چند جلسه شرکت داشتم، اما نتیجه عملی حاصل نشد. رئیس انجمن زمین شناسی آینده بخش معدن را روشن دانست و افزود: معدن از



آلومینای ایران به یکی از بازیگران راهبردی و پیشرو در صنعت آلومینای منطقه تبدیل می شود

همت رسیده است؛ رقمی که نشان دهنده تحقق بیش از نیمی از سود خالص پیش بینی شده برای کل سال است.

همچنین بررسی آمارنامه های کدال نشان می دهد در نیمه نخست امسال، مجموع فروش شرکت آلومینای ایران به ۸۳/۰۳۱/۳۰۷ میلیون ریال رسیده است؛ رشدی ۷۳.۸ درصدی نسبت به دوره مشابه سال گذشته.

در این مدت تولید شرکت شامل:

۱۲۲ هزار و ۴۳۰ تن پودر آلومینا،

۱۸۷ هزار و ۸۱۸ تن پودر هیدرات آلومینیوم،

۹۸ هزار و ۱۹۵ تن آهک صنعتی،

و ۱۵ هزار و ۹۲۱ تن شمش آلومینیوم بوده است.

رشد فزاینده شاخص های سودآوری، مقاومت در برابر چالش های تولید و افزایش چشمگیر فروش، تصویر روشنی از مدیریت هوشمند و انسجام سازمانی در شرکت آلومینای ایران ارائه می دهد.

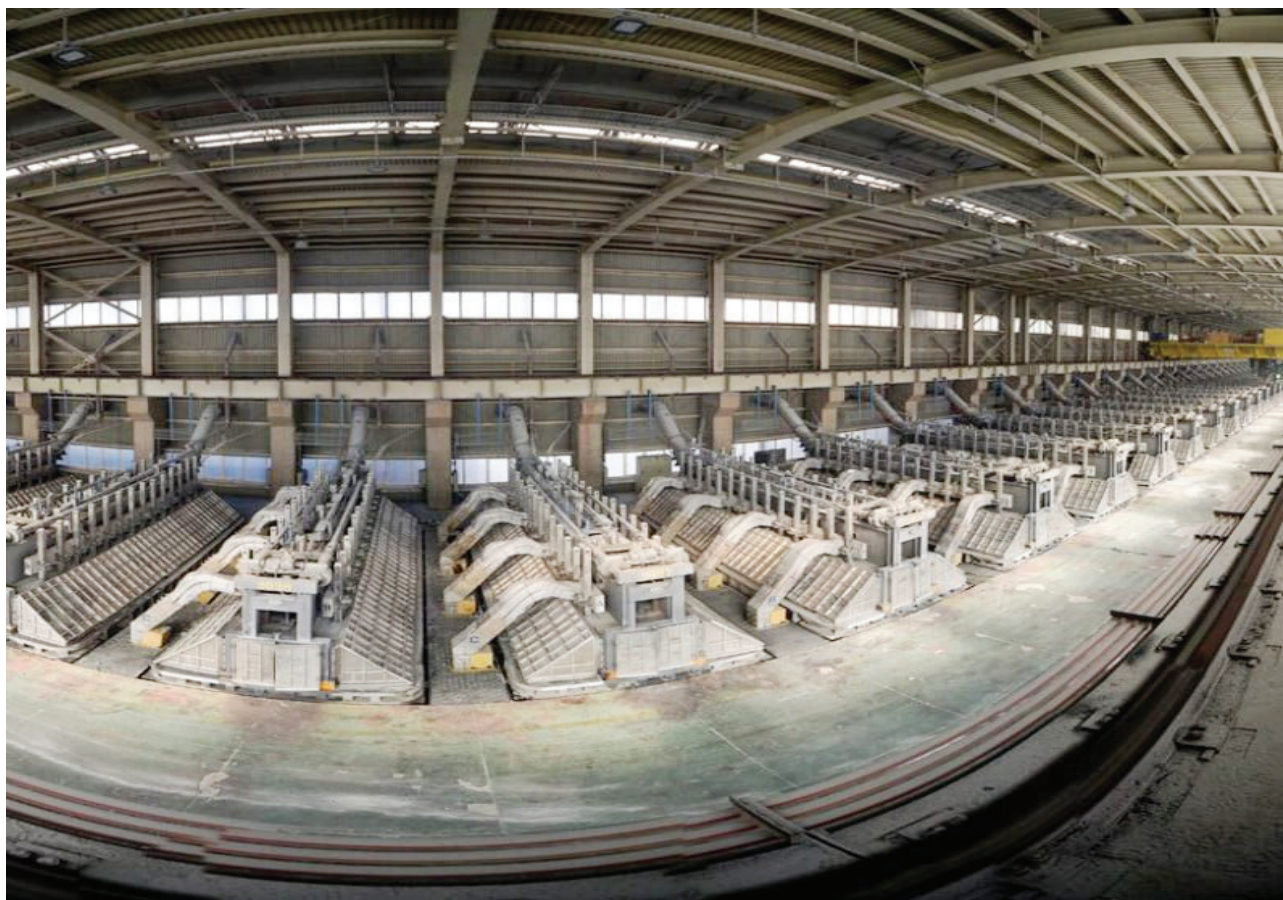
این عملکرد نه تنها چشم انداز رشد پایدار را برای مجموعه رقم زده، بلکه می تواند الگویی موفق برای دیگر شرکت های معدنی و فلزی کشور در مسیر بهره وری و توسعه صنعتی باشد.

دکتر حمیدرضا بادکوبه مدیرعامل و عضو هیأت مدیره شرکت آلومینای ایران موفقیت های حاصل شده از ابتدای سال ۱۴۰۴ تا کنون را نقطه عطفی در مسیر توسعه و تثبیت جایگاه این شرکت در صنعت آلومینای کشور دانست و ابراز امیدواری کرد با ادامه این روند، شرکت به یکی از بازیگران راهبردی و پیشرو در صنعت آلومینای منطقه تبدیل شود.

آلومینای ایران در برنامه میان مدت خود قصد دارد با ارتقای ظرفیت تولید و افزایش بهره وری فرآیندهای پالایش، به جمع شرکت های مطرح این حوزه در منطقه خاورمیانه بپیوندد. پیش بینی ها حاکی از آن است که با ادامه روند فعلی، این شرکت قادر خواهد بود رونقی قابل توجه به بازار صنعتی آلومینیوم کشور ببخشد.

این شرکت علاوه بر هدفگذاری برای تبدیل شدن به بازیگری پیشرو، در نیمه نخست سال ۱۴۰۴ توانست رکوردی بی سابقه در تاریخ فعالیت خود در صنعت آلومینیوم کشور به ثبت برساند.

بر اساس گزارش های رسمی منتشر شده در سامانه کدال، درآمد عملیاتی شرکت نسبت به دوره مشابه سال قبل ۷۴ درصد افزایش یافته و سود عملیاتی آن با جهشی خیره کننده برابر با ۱۷۳ درصد رشد داشته است. در شش ماهه نخست سال ۱۴۰۴، سود خالص شرکت به عدد قابل توجه ۱.۹۵



سعید صمدی دبیر انجمن زغال سنگ

فرسایش نقدینگی زغال سنگ با انحصار ذوب آهن

سعید صمدی، دبیر انجمن زغال سنگ ایران، از کاهش حدود ۱۰ درصدی تولید زغال سنگ نسبت به سال گذشته خبر داد و مهم ترین دلیل این افت تولید را مشکلات نقدینگی عنوان کرد.



مسئله چرخه مالی معادن را مختل کرده است. دبیر انجمن زغال سنگ با اشاره به آینده بازار گفت: با توجه به سیاست سکوتی که در وزارت صمت وجود دارد، انتظار اقدام اساسی برای رفع مشکل نقدینگی در ماه های باقی مانده از سال نداریم.

صمدی با اشاره به وضعیت فعلی بازار گفت: متأسفانه شرایط زغال سنگ کشور چشم انداز روشنی ندارد و واردات در سال جاری نسبت به گذشته افزایش خواهد یافت.

وی در ادامه درباره آینده این حوزه اظهار داشت: در بلندمدت خوش بین هستم، چراکه تحت تأثیر ناترازی های انرژی، دولت ناگزیر است به سمت زغال سنگ حرکت کند. این یک سرنوشت مختوم است و هیچ گریزی از آن وجود ندارد.

صمدی تأکید کرد: حرکت دولت به سمت زغال سنگ در بلندمدت می تواند مسائل مالی این حوزه را تا حدی حل کند.

صمدی با اشاره به وضعیت بازار زغال سنگ گفت: متأسفانه مشکل نقدینگی به یک مسئله جدی در این حوزه تبدیل شده است. اگرچه فرمول قیمت گذاری تغییر کرده، اما کاهش محسوسی در قیمت ها مشاهده نمی شود. وی افزود: متوسط قیمت زغال سنگ در سال جاری نسبت به سال گذشته حدود ۴ تا ۵ درصد افزایش داشته است.

صمدی در توضیح وضعیت بازار اظهار کرد: بر اساس فرمول جدید قیمت زغال سنگ ۳۰ درصد شمش فولاد خوزستان محاسبه می شود، اما در عمل تنها ۳ تا ۴ درصد افزایش قیمت داشته است. مشکل اصلی ما نقدینگی است که به یک بحران جدی تبدیل شده. وی افزود: ذوب آهن به عنوان مصرف کننده اصلی زغال سنگ، به دلیل بحران



نیاز سالانه جهان به ۲۱ معدن مس برای طرح‌های اقتصادی

هر کشور با سطح رفاه، امید به زندگی و توسعه پایدار رابطه مستقیم دارد. گزارش‌ها نشان می‌دهد که در کشورهای با درآمد بالا، سرانه مصرف مس به حدود ۱۵۶ کیلوگرم می‌رسد و سرانه مس در زیرساخت‌های ایالات متحده در طول قرن بیستم رشدی مستمر داشته است. توسعه زیرساخت‌هایی چون برق‌رسانی، آب سالم، بهداشت، آموزش و حتی حمل‌ونقل بدون تأمین کافی مس ممکن نیست. مصرف مس در کشورهای OECD در سال‌های اخیر ثابت مانده، اما در کشورهای BRICS (برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی) بارشد جهشی همراه بوده است؛ از ۰.۵ کیلوگرم به ازای هر نفر در ۱۹۹۲ به ۲.۹ کیلوگرم در ۲۰۰۹ افزایش یافته است.

بر این اساس، یک تضاد ذاتی میان تقاضای مس برای توسعه زیرساخت‌های کشورهای در حال توسعه و نیاز روزافزون برای برق‌سازی وجود دارد. بنا بر برآوردها، با حفظ روند طبیعی توسعه، می‌توان اغلب نیاز کشورهای در حال توسعه را با منابع موجود مس پوشش داد. اما در صورت حرکت به سمت شبکه برق کاملاً مبتنی بر باد و خورشید همراه با رشد عظیم ذخیره‌سازی، به احتمال زیاد بخشی از مس لازم باید از حوزه توسعه انسانی منحرف شود. تحقق کامل شبکه برق بدون سوخت فسیلی و متکی بر باد و خورشید، هزینه‌ای عظیم دارد و نیازمند باتری‌هایی است که مقدار زیادی مس می‌طلبند. هرگونه بی‌ثباتی یا نوسان در برق شبکه باعث گرایش خانوارها و صنایع به خرید تجهیزات پشتیبان (نظیر باتری‌ها) می‌شود و این روند، تقاضا برای مس را بیش از توان استخراج افزایش خواهد داد.

ارتقاء سهم انرژی هسته‌ای یا نیروگاه‌های متان، منطقی‌ترین راه برای کنترل تقاضای مس و کاهش فشار بر ذخایر جهانی است. توسعه فناوری‌های ذخیره‌سازی با نیاز کمتر به مس، ایجاد شبکه‌های هوشمند و مدیریت تقاضا و عرضه برق، و برنامه‌ریزی برای چرخه عمر معادن از محورهای کلیدی پیشنهادی برای عبور از این بحران هستند.

طبق یافته‌های جدید، شدت سرمایه‌گذاری (Capital Intensity) در پروژه‌های مس طی دهه اخیر به‌طور چشمگیر افزایش یافته است. شدت سرمایه‌گذاری روی مس در سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰ سه برابر شده و براساس داده‌های ۲۰۲۴، پروژه‌های بزرگ امریکای لاتین به رقم ۲۳ هزار دلار به ازای هر تن مس رسیده‌اند. بررسی ۴۰ پروژه توسعه نیافته مس در سطح جهان نیز نشان می‌دهد که برای تحقق پروژه‌های جدید، قیمت مس باید در محدوده بالای ۲۰ هزار دلار در هر تن تثبیت شود.

گذار کامل به خودروهای برقی و حذف سوخت‌های فسیلی - با اتکاء بر تولید برق از انرژی بادی - به شکل غیرواقعی حجم عظیمی از استخراج سالانه مس را می‌طلبد. مطالعات نشان می‌دهد که طی دوره ۲۰۱۸ تا ۲۰۳۵، هر سال باید ۲۱ معدن بزرگ، هر یک با تولید نیم میلیون تن مس، راه‌اندازی شوند؛ امری که با واقعیت‌های کنونی صنعت و چرخه طولانی مدت توسعه معادن، با چالش‌های جدی روبه‌رو خواهد شد. علاوه بر این، حتی در خوش‌بینانه‌ترین سناریوها، بخش عمده ذخایر مس تا سال ۲۰۵۰ در اعماق بالای ۲۰۰ متر استخراج خواهد شد و نیاز به دو برابر کردن استخراج مس نسبت به وضعیت عادی وجود دارد.

بزرگ‌ترین عامل افزایش تقاضای مس، نه ساخت نیروگاه یا خودروهای برقی، بلکه باتری‌های ذخیره‌سازی بوده که هدف آن‌ها مدیریت نوسانات انرژی‌های باد و خورشید در شبکه‌های برق است. این حوزه می‌تواند بخش قابل توجهی از ذخایر معمولی مس دنیا را به خود اختصاص دهد. حتی توسعه شبکه‌های برق منطقه‌ای هم مستلزم مصرف عظیم مس خواهد بود. در مقابل، سناریوهایی که بر استفاده غالب انرژی هسته‌ای یا پشتیبانی از انرژی‌های تجدیدپذیر با نیروگاه‌های متان تأکید دارند، فشار بر منابع مس را تا حد زیادی کاهش می‌دهند.

با استناد به شاخص توسعه انسانی (HDI)، میزان مس مصرف‌شده در



پیمان افضل استاد دانشگاه و صاحب نظر حوزه معدن رونق کاذب بخش معدن

نشدن مطالبات شده است. این صاحب نظر حوزه معدن تأکید کرد: قوانین متعدد و متناقض کشور باید بازنگری شوند. وجود تبصره ها و نقیض های فراوان در قوانین به مجموعه های دولتی امکان می دهد به راحتی در کار معدن داران اختلال ایجاد کنند. افضل در ادامه با اشاره به سرمایه گذاری های منطقه ای گفت: کشورهای عربستان، امارات، قطر و عمان با سرمایه گذاری های عظیم در حال تبدیل شدن به قطب های معدنی جهان هستند. در حالی که در ایران صنایع معدنی به ویژه فولاد سازی ها در مکان های نامناسب توسعه یافته اند و اکنون با چالش آب، انرژی و خوراک مواجه اند.

وی راهکار توسعه پایدار را در ادغام مجموعه های معدنی و تشکیل کنسرسیوم ها دانست و افزود: ساختار سیاسی و اداری کشور باید اصلاح شود تا بخش معدن بتواند جایگاه واقعی خود را به دست آورد. همچنین باید از تکرار اشتباهات در صنایع مس، طلا، سرب و روی جلوگیری شود.



پیمان افضل، استاد دانشگاه و صاحب نظر حوزه معدن، با اشاره به رونق نسبی بخش معدن و صنایع معدنی کشور گفت: این رونق بیشتر ناشی از شرایط جهانی و افزایش نرخ ارز است، اما مشکلات جدی همچون انرژی، سوخت، ماشین آلات و قوانین دست و پاگیر همچنان مانع توسعه پایدار این بخش شده اند.

افضل با بیان اینکه بخش معدن یکی از معدود حوزه هایی است که رونق تولید دارد، افزود: محصولات معدنی به دلیل قیمت بالای دلار ارزش زیادی پیدا کرده و نقدینگی خوبی ایجاد شده است، اما معضلاتی همچون تأمین انرژی، سوخت و ورود ماشین آلات به دلیل قوانین گمرکی و مقررات پیچیده همچنان حل نشده باقی مانده است. وی با اشاره به مشکلات ساختاری گفت: بسیاری از معادن بزرگ نیروگاه احداث کرده اند، اما وزارت نیرو آنها را موظف می کند برق تولیدی را وارد شبکه سراسری کنند و در عمل امکان استفاده از برق خود را ندارند. این موضوع باعث زیان مالی و دریافت



اقدامات چند جانبه مجتمع سنگ آهن سنگان در راستای ارتقای عملکرد عملیاتی

سال گذشته ۸ درصد رشد داشته است که نشان‌دهنده بهبود بهره‌وری ماشین‌آلات و اجرای دقیق برنامه‌های عملیاتی است.

رضا شجاعی، سرپرست مجتمع سنگ آهن سنگان، عملکرد مجتمع تا پایان شهریورماه ۱۴۰۴ را به شرح زیر اعلام کرد:

■ اکتشاف و حفاری:

عملکرد واحد اکتشاف با تحقق ۱۱۰ درصدی برنامه تجمعی نسبت به سال گذشته ۴۳ درصد رشد داشته است. میزان حفاری در شش ماهه نخست سال با انجام بیش از ۱۰ هزار و ۵۰۰ متر، رشد ۳۰ درصدی نسبت به مدت مشابه سال گذشته داشته است. این عملیات در شش پهنه معدنی در حال انجام است و پیش‌بینی می‌شود تا پایان سال مجموع حفاری‌ها به بیش از ۱۸ هزار متر برسد.

مجتمع سنگ آهن سنگان به‌عنوان دبیر کارگروه اکتشاف و شورای سیاست‌گذاری اکتشافات معدنی استان خراسان رضوی انتخاب شد و مسئولیت اکتشاف ۳۴ محدوده معدنی استان را بر عهده دارد، که این اقدام گامی مهم در مسیر توسعه پایدار بخش معدن استان محسوب می‌شود.

■ باطله‌برداری:

عملیات باطله‌برداری با تحقق ۹۴ درصدی برنامه تجمعی، نسبت به

■ تولید سنگ آهن دانه‌بندی:

تولید سنگ آهن دانه‌بندی با تحقق ۱۱۵ درصدی برنامه تجمعی نسبت به سال گذشته ۴۸ درصد افزایش یافته است. این موفقیت حاصل تلاش مستمر کارکنان بخش تولید و بهبود فرآیندهای تولید و حمل‌ونقل است.

■ بارگیری ریلی:

بارگیری ریلی در شش ماهه نخست سال جاری به ۷۷۵ هزار و ۸۰۰ تن رسید که نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۵۰ درصد افزایش داشته است، و نشان‌دهنده ارتقای بهره‌وری در بخش حمل‌ونقل ریلی مجتمع است. رضا شجاعی در پایان افزود: این دستاوردها نتیجه کار جمعی و برنامه‌ریزی دقیق در تمامی واحدهای مجتمع است. با تداوم این روند، امیدواریم شاهد افزایش چشمگیر تولید و عملکرد عملیاتی در نیمه دوم سال باشیم. سرمایه‌گذاری اصولی در اکتشاف و توسعه، زمینه‌ساز کشف ذخایر جدید و ارتقای بهره‌وری در تمامی بخش‌های معدن خواهد بود.



طلا پناه نامنی ها

موجب شد طلا در ۲۰ اکتبر به رکورد تاریخی ۴,۳۸۱ دلار در هر اونس برسد. این پیش بینی LBMA از متوسط قیمت سال آینده، بالاتر از میانگین ۴,۲۷۵ دلار اعلام شده در نظرسنجی خبری رویترز است. کارشناسان هر دو موسسه معتقدند آشفتگی اقتصادی و سیاسی جهان موجب حفظ جذابیت پناه آور بودن طلا خواهد شد.

■ نقره در مسیر جهش ۲۸ درصدی؛ رشدترین سال از ۲۰۱۰

در کنار طلا، تحلیل گران حاضر در نشست پیش بینی کردند قیمت نقره نیز تا ۵۹ دلار در هر اونس افزایش یابد؛ در حالی که روز سه شنبه حدود ۴۶ دلار معامله می شد.

این فلز تاکنون ۶۲ درصد رشد سالانه داشته - بیشترین جهش از سال ۲۰۱۰ - که ناشی از تقاضای سرمایه گذاری بالا، محدودیت عرضه در بازار لندن و خرید پر حجم در هند است.

فعالان صنعت فلزات گران بها در نشست سالانه انجمن بازار شمش لندن (LBMA) در کیوتو پیش بینی کردند قیمت طلا طی ۱۲ ماه آینده به حدود ۴,۹۸۰ دلار در هر اونس خواهد رسید - رشد ۲۷ درصدی نسبت به قیمت های فعلی و بالاترین سطح ثبت شده در تاریخ معاملات این فلز گران بها. طلا از ابتدای سال جاری تاکنون ۵۲ درصد رشد قیمت را تجربه کرده؛ عملکردی که آن را در مسیر بزرگ ترین جهش سالانه از سال ۱۹۷۹ قرار داده است. این فلز در ماه مارس از مرز روانی ۳,۰۰۰ دلار عبور کرد و در اکتبر سطح ۴,۰۰۰ دلار را شکست - دو مقاومت مهمی که به گفته کارشناسان بازار، نشانگر ورود طلا به یک دوره "ابر صعودی" است.

نتایج کامل نظرسنجی سالانه LBMA در نشست کیوتو منتشر شد و دیدگاه صدها تحلیلگر، معامله گر و سرمایه گذار بین المللی را منعکس می کند. به گزارش این انجمن، افزایش تنش های ژئوپولیتیکی، ابهام در تعرفه های تجاری آمریکا و احساس فراگیر «ترس از جاماندن از رشد قیمت ها (FOMO)»

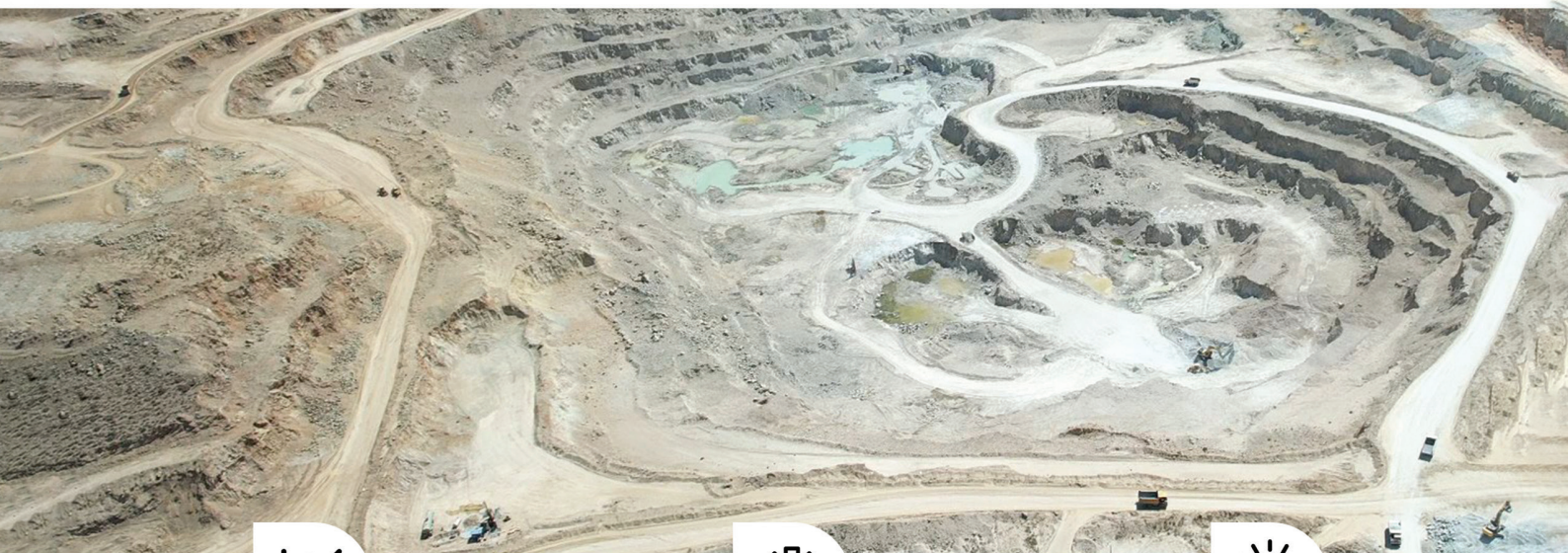


[illegible][illegible][illegible][illegible][illegible][illegible][illegible][illegible][illegible][illegible][illegible][illegible][illegible]



شرکت فرآوری مس درخشان

تخت گنبد سیرجان



- ◆ بهره بردار نمونه صنعتی استان کرمان در سال ۱۴۰۳
- ◆ بهره بردار نمونه ملی در سال ۱۳۹۵
- ◆ مکتشف نمونه استان کرمان در سال ۱۴۰۲
- ◆ مکتشف نمونه در سال ۱۳۸۹
- ◆ بهره برداری نمونه ملی در سال ۱۴۰۱
- ◆ دارای نشان حمایت ملی
- ◆ نشان درجه یک استانی اقتصاد مقاومتی
- ◆ عضویت در اتحادیه بین المللی تامین اجتماعی

◆ واحد صنعتی نمونه در سال ۱۳۹۵

◆ مشارکت در طرح پرچمداری معدن و محیط زیست (معدن کاری سبز)

◆ دارای نشان بین المللی مسئولیت پذیری سبز در سال ۲۰۲۳-۲۰۲۴

تهران، خیابان ولیعصر، خیابان مقدس اردبیلی، بعد از میدان الف، خیابان سنگر، پلاک ۲، طبقه ۲
کرمان، شهرستان سیرجان، بلورد، منطقه تخت گنبد

۰۲۱ - ۲۶ ۸۰۰ ۱۸۴

۰۲۱ - ۲۶ ۸۰۰ ۱۴۲

TG-COPPER.COM



آلیاژ ایرانی، انتخاب جهانی

- بزرگترین تولید کننده فولادهای طویل آلیاژی در خاورمیانه
- بیش از ۴۷۰ گرید در مقاطع و سایزهای مختلف
- تولید مطابق با استانداردهای بین المللی:

DIN - ASTM - BS - JIS



www.iasco.ir



شرکت فولاد غدیر نی ریز

حرکت پرشتاب
به سوی آینده ای روشن

تولید سالانه

◀ ۸۰۰/۰۰۰ تن آهن اسفنجی

◀ ۸۰۰/۰۰۰ تن شمش فولادی

در آینده نزدیک

۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تن گندله

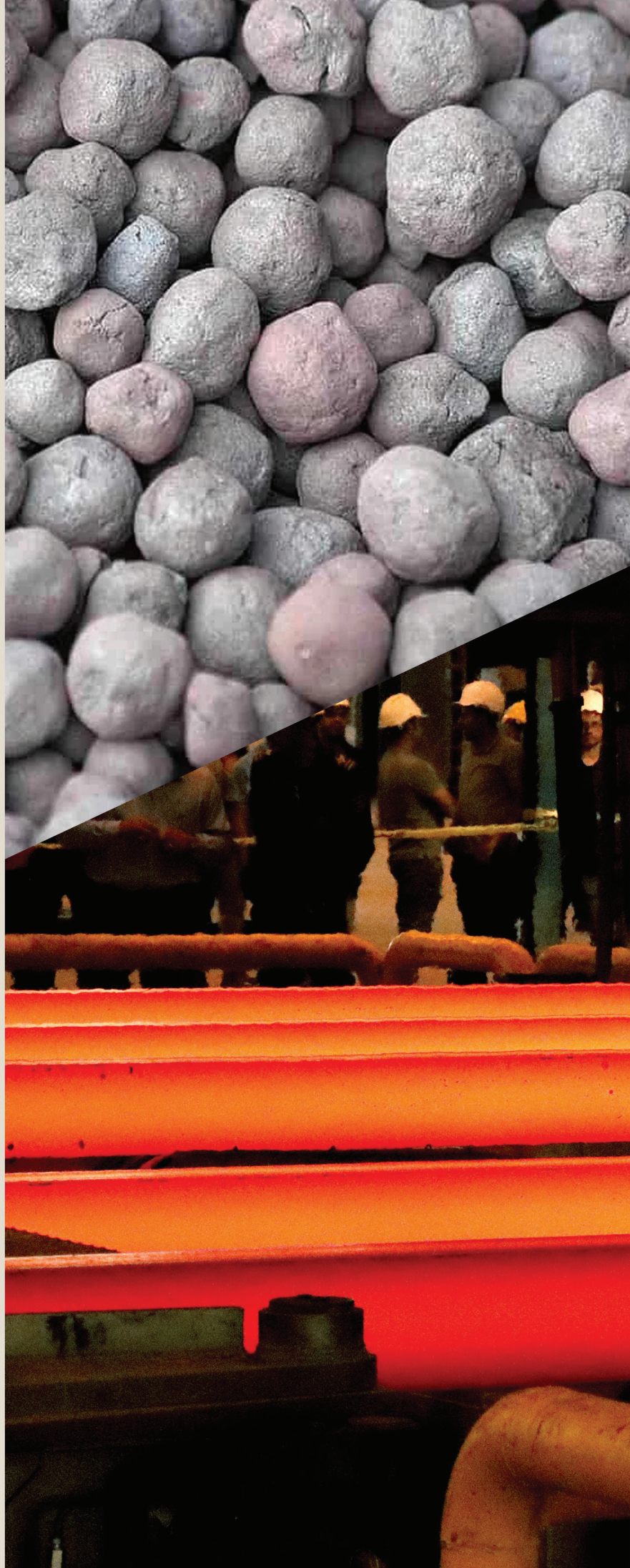


شرکت فولاد غدیر نی ریز
NGHSCO

روابط عمومی و امور بین الملل

WWW.NGHSCO.COM

info@nghsco.ir



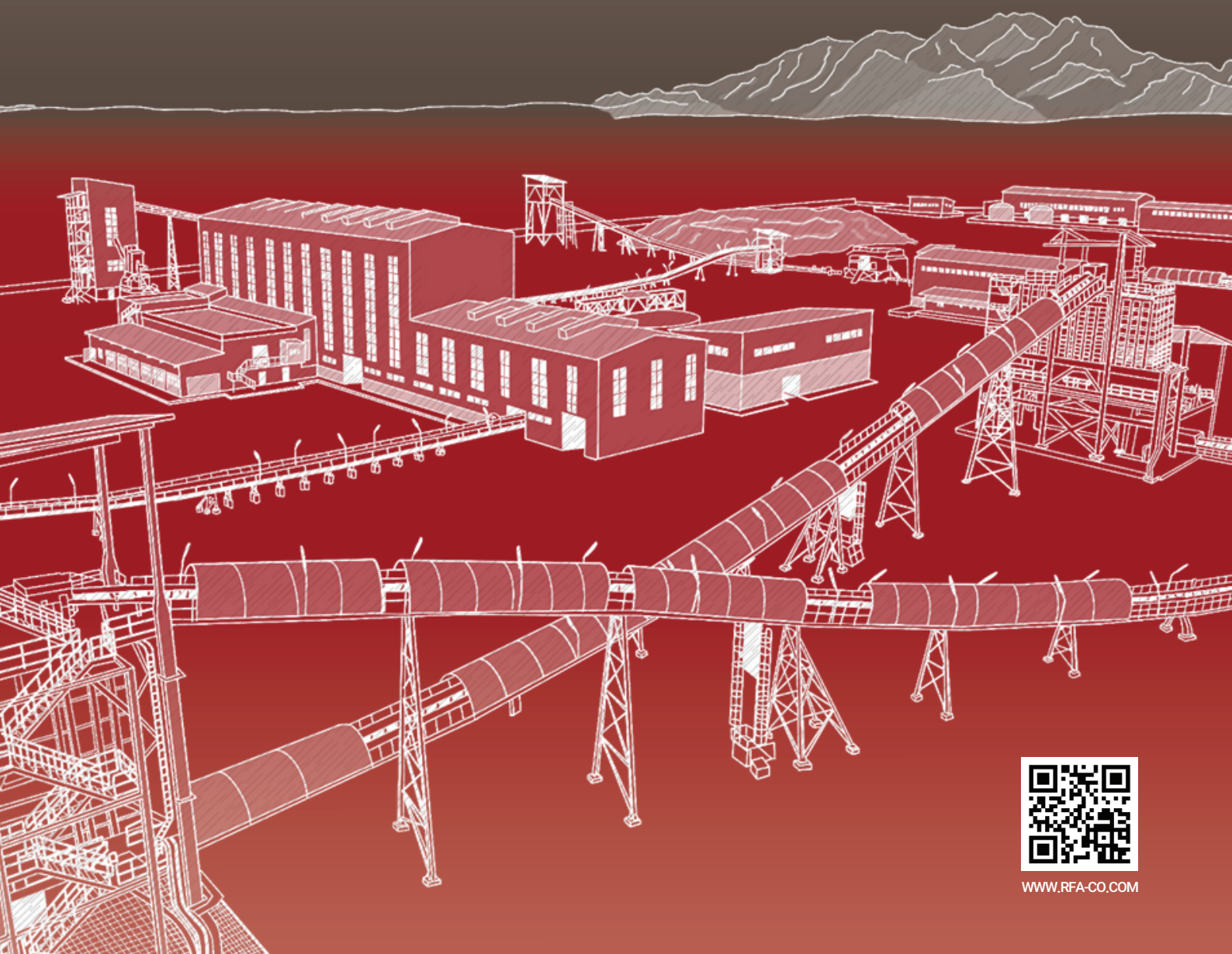


راهبر فرآیند آریا

بهره برداری فکورانه

نوآورانه بهره ور سبز

شرکای تجاری



WWW.RFA-CO.COM